

# شیوه

نکشماره ۹ ریال

جعده سیزدهم دی ماه ۱۳۴۰

شماره ۴۲۸



دکتر مصدق و دادخواه مشکلات ساسی روز

# قضاؤت آیندگان در باره ما

چرا از حمود ادب خارج میشوم؟ پیرا جال و بزرگان خود را میکنیم؟  
این امر ای ای است که بهمودوار داست و باید گفت طرفین مضر هستند.  
این نسبت های وزشت و زندگان را کجا های دیبا به زرگان ورجال و معمورین خود میدهند؟ همچنان سبک و خفیف آلوهه میکنند! ا!  
مثل آنست که عمدی در کار باشد و بخواهند تمام پزدگان ورجال  
این کشور را خراب کنند؟ فرزندان ما که این نطق ها را میشنوند و  
روزنامه ها را میخوانند همینطور غریب میشوند و فردایک سلیمانی ادب  
و یادگاری می تربیت باریماید.

ملتی که بیادداشت توین کنند یا بهداشتی هم کنند، سلطنت امارات کنند سبک بگویند و بدینویسند.

من دمی که بشخصیت های بارز و روحانی و پیشوایان دینی بی  
حرمتی نمایند یا تحمل کنند که اشخاصی نام آنها را برشی بسوند.  
افرادی که نام پیشوای ملی و ذیعین و فرمان خود را بالکمان و کیک  
توأم سازند و نایابگویند و نویسند آن حمله نکنند هوطاقدات آلوهه که میگوییم  
پنهان و زوال هستند آن ملت و آن افراد از هیان میروند چون  
لیاقت حفظ مال خود را نهارند.

رجال مملکت، تروت مملکت و تجویه هلت هستن امروز زمان  
و صرف اوقات بسیار آنها بوجود آمده اند چه خبط کرده و چه  
زمانها و سایده اند تا امروز یخته و از کار خارج آمدند آنها آلوهه کردن  
کار عاقلانه نیست.

اشخاصی که صاحب منطق و استدلال باشند فحش نمیدهند و  
بزرگان را برشی نام نمی بزنند؛ این رسم باید از این مملکت برآورده  
شاہنشاه مظہر مملکت و ملت و شخص آزاد است. مکر و نیز است  
است و ملت ایران اور از جان و دل دوست دارد و باید دست داد و باید  
وقایع اذیه احترام بعد کافی نسبت بمقام سلطنت و شخص شاهنشاه نمیشود  
رئیس دولت عبریز اینها باید چهارمین احترام  
گفته ایکتیت مزدم نسبت باو تکرم و از این نسبت ها که داده  
میشود اظهار از جار مینمایند. مقامات روحانی و پیشوایان دین نزد  
همه ملل و اقوام موردا خرامند یعنی پیشوایی دین بودا و روحانی میسیحی  
هم باید مورد احترام و تقاضیم باشد چنان کار ما باینجا برسد که همه

چیزرا زین با بگذاریم و ملاحظه هیچ کس را ننماییم.  
چرا اجازه پدیده هر کس هرچه دلخواست بپرسی مقام و هر کس بگوید:  
عقابت اینکار بکجا میرسد؟ آخره این مملکت باید آدم دست خود ره  
بیدا شود، همه را بپمبد کردن و همه و آلوهه ساختن و لجن بهمه  
مالیدن کارخوبی است؟

کسی که دیگر باقی نماند است، آیا دیگران حق دارند  
بگویند شما که آدم فحش نخورد و آلوهه شده شدند دارید میخواهید کی  
این مملکت را اداره کنند؟

خیال نمی کنید بهزار سیله آرزوی آنها است که برا آورده شده  
و مطابق میل آنها را رجال خود را لجن مال میکنند.

انتقاد غیر از فحش است، استدلال غیر از سبکی و تخفیف است  
مردم به درختی که با او بارچه بسته اند و مورد توجه جمعی واقع شده  
نمی تبینند شما با شخصی که مورد احترام عالمه هستند اهانت  
نمی کنید؟

اگر این گفته و نوشته ها باقی بمالند آند گان قضاوت خواهند  
کرد، ما در عصری زندگی میکردیم که همه آلوهه بوده اند و نسبت  
دهند گان نم بیهان آتش میسوزند.

## علمای تجف و کربلا

از رویه گمو نیستها و حزب قویه ای از قدرت مینیمایند  
از بغداد اطلاع میدهند که محاذل روحانی تجف و کربلا و سامرہ  
از تبلیغات گمراه کنندند نود ای ها و اهانهایی که در کتب شاله خود  
بخدا و بیغمیر و دین واسلام نموده اند متاثر و عصانی بوده و درین باوه  
علمای تجف و کربلا و مراجع تقلید تلگرافهایی به دربار و مجلسین و رئیس  
دولت مخابره کرده اند و جدا از دولت و مجلسین خواسته اند که از  
نسائی و بیلیغات این دشمنان خدا و مملکت جلو کیری نمایند، مسافر  
عزبور اتفاهم میکرد که نه تنها در محاذل روحانی بلکه در تمام مطبوعات  
عربی اکنون از حلقاتی که کمیجهتها بین اسلام و شارع مقدس نموده اند  
بحث میشود و همه مستقبلاً این عمل نسل ناجیان ای از قدرت و  
از جار مینمایند.

## روی جلد

دکتر عصیان در پیار مملکات سپاهی روزه: عروهه غایی دو اند  
قرضه ای آمریکا، انتخابات، دخواست توده ایها و عمال غوری دو  
انتخابات، قرار اقتصادی، مذاکرات پیرچیل و تروم من صفحه ۴ و ۳ و ۲  
و ۱ پیواليه.

## از همه سو!



ذریعین

اشک غم بیشم ز سوئی، آتش حرمان ز بکو  
دیده گرمان ز سوئی، سینه بینهان ز بکو  
قره و بدیختی بلاشد، غم عدوی جان ما شد  
کاین کند جلوت ز سوئی، و آن کند جلو لای بکو  
از هجوم برف و سرما، تا چه آید برس ما  
لشکر بهمن ز سوئی، خلق بی سامان ز بکو  
برف چون دندان نماید، مرگومه آسان نماید  
کاین کفن دوزد ز سوئی، و آن سپارد جان ز بکو

داردم مبهوت و حیران، رفع این و راحت آن  
چهره خندان ز سوئی، دیشه گرمان ز بکو

نمیم و نکبت بدینسان، کس بینند جز در ایران  
ترور یید ز سوئی؛ هر چه بیان ز بکو

هر جو مرج از حد فرون شد، ظلم و جور از حد برون شد  
جان بس، شهریار سوئی، خون جکر، دهان ز بکو

تا نماید فسد ملت، تا بینند دست دولت  
ورزد این عصیان ز سوئی، آردا آن طیان ز بکو

ز اعتدال و نظم در کشور، اثر نگناشت دیگر  
انتساب این ز سوئی، انقلاب آن ز بکو

یاس خان گز آنکه داری، زین و آن گردی فرادری  
کاین زند چاقو ز سوئی، و آن کند بوقان ز بکو

جون نهی یا در خیابان، سازد دم یشیان  
هیکل آزان ز سوئی، هیئت ذین ز بکو

بس شراور هر شرارت، زد بیان و جان خشارت  
این بیش بیان ز سوئی، و آن کند بی جان ز بکو

خر من هستی سوزد، جون ز جهل آتن قزو زد  
این بیک از طفیان ز سوئی، و آن بیک از عصیان ز بکو

کشوری و لژ  
مژن جلو یک  
کرده اند؛  
بیشود من ف  
باشد نالسان  
فهمند و بدان  
هنوز هم مه

گر میتینکی گفت برقا، بهر یعنی بود، زیرا  
خانه شد خالی ز سوئی، نفته شد دکان ز بکو

دولت از این وضع خسته، دست و پایش نیز بسته  
مجلس شوری ز سوئی، مجلس اعیان ز بکو

ز اکثریت در کمان، و ز اقلیت بچان  
کاین کند جیلت ز سوئی، و آن زندگان ز بکو

یکطرف فوی مؤلف، یکطرف جمیع مخالف  
زاید این حیرت ز سوئی، سازد آن حیران ز بکو

مشکلات خلق بی حد، مעתضات ملک بی حد  
کشور ویران ز سوئی، کار آبادان ز بکو

نان خور دولت فراوان، از رعیت تا سلطان  
खجلت مهمان ز سوئی، سفره بی یان ز بکو

هم نهی باشد خزرنده، هم بود خالی زمینه  
قرضه ملی ز سوئی، درد بیدمان ز بکو

انتخابات در کار، انتسابات بسیار  
این بیزد خون ز سوئی، و آن کتابد خوان ز بکو

بارها با چوب و چاقو، رفت بالا دست و بازو  
این بیزد آسان ز سوئی هو آن، گفت آسان ز بکو

من بدامن یا کشیدم، سکه در این ملک دیدم  
حمله و فرمان ز سوئی، ناه و افغان ز بکو

کرچه اهل سلح و سلم، بره از جما بای حلم  
تر کس قتان ز سوئی، غزه پنهان ز بکو

هر طوف عاشق گریزد، خون وی در دم بیزد  
حریه ایرو ز سوئی، خنجر مزگان ز بکو

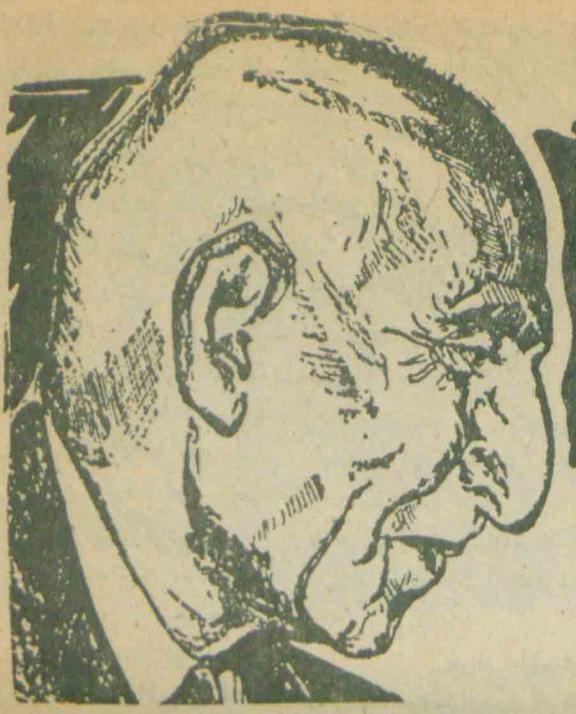
خود ندامن تا چه حاصل، گر شبانوز از بی دل  
میروم با این ز سوئی، میدوم با آن ز بکو

## فروش قلت برویه

محاذل اتفقی بیورورک امریکا فروش نفت ایران را برویه و  
کشورهای یشت پرده آهنین مورد طالمه قرارداده و اتفاهم یافته  
کرده اند که این امر، با وجود تبلیغاتی که ایران داد اینسوس  
بعمل میآید، غیر عملی است زیرا این کشورها ویله عمل و نه  
ندارند چنانکه امسال روسیه مقدار زیادی از نفت مخصوص روسیه و  
نفت خنکه اثغالی دوره ای از اتفاقی اتفاق نهاده اند که میگذرد  
فروخته اند زیرا وسایل کافی حمل و نقل در اخیر خوشنان بوده است  
تا این مقدار اتفاق را برویه و تا خلک کشورهای یشت پرده بیور.

# دکتر مصدق

## در رأی‌برهستگات سیاسی روز



میلیون و طبقات مختلف مردم به پیشوائی و رهبری روحانیون و علماء و رهبران ملی در انتخابات شرکت خواهند نمود  
شعار مردم ایران اینست:

### نوگران و مزدوران احباب نباید بنمایند گی مجلس انتخاب شوند

تجهیزات توده ایها برای انتخابات - یک تذکار مهم بدولت برای بهبود اوضاع اقتصادی مشکلاتی که در حال حاضر دولت آقای دکتر مصدق با آن رو بروست یشمار است ولی مهمترین آنها که اکنون تمام کوشش و اهتمام دولت مصروف بحل آنهاست از اینتراراست:

تمام مردم خود را آماده شرکت در مبارزات انتخاباتی نموده وصمم شده‌اند این فرضه ملی را بین‌وحاضن انجام داده و نگذارند حتی یک‌فرموده در دوره هفدهم یا در عرصه پارلمان بگذارد مخصوصاً پیشوایان و رهبران دینی و علماء اعلام و حجج اسلام برای اینکه نگذارند دشمنان خدا و رسول وارد مجلس شوند در انتخابات دوره هفدهم شخص‌شرکت نموده و عموم مردم را تیزینام جهاد در راه دین وطن دعوت خواهند نمود که در انتخابات شرکت نمایند و از هم اکنون از طرف مقامات پژوهش‌وحوایی تعليمات لازم درین باره داده شده است و شرکت مردم‌گوشه‌گیر و بزرگواری نظیر آیت الله آقای آقا شیخ علی مدرس در انجمن نظارت که همه میدانند همواره از غوغای ایسیاست بر کنار بوده است برای اینست که مردم عزلت شین از ایشان بیروی نموده و شرکت در انتخابات را فرضه خود بشناسند و متوجه شوند که این بار دشمنان وطن و خصم دین و ایمان آنها در کمین نشته اند که از غفلت و عدم توجه آنها سوءاستفاده نموده و ملزم خود را وارد صحنه پارلمان نمایند مطابق اطلاعی که بدست آورده این اکنون در محاذیق دینی و ملی این کفتکو در میان است که در چند روز گرفتن آراء همه دست از کاری و کسب کشیده و تعطیل عمومی نمایند و در تمام مساجد پس

از منتظر الوکاله‌ها را که بایمید کمک دولت

و امید آنها در این مبارزه به تشتیت و اختلاف کاندیدهای دستجویان است.

ضمناً چون فکر می‌کنند بر اثر ییداری مردم و ثروت و ارز جاری که اصولاً عامه طبقات ایران نسبت بخانین وطن و مزدوران احباب دارند احتمال می‌رود در این مبارزه انتخاباتی شکست بخورند از اینرو از حالا بعنوان اینکه انتخابات آزاد نیست سیل فحش و دشنام را نسبت بدولت و رهبران ملت سازیزیر کرده اند تا باین وسیله جیران شکست دشیده و می‌شود ولی بازار آنچه برای همه مسلم است این است که اکن دکتر مصدق سر کار بیاند در رویه خود هر کسر تغییری بخواهد داد و بنفع زید و عمر شخصاً قدمی برخواهد داشت.

#### تودهای ها و انتخابات

تودهای ها چون تشخیص داده اند

انتخابات آزاد است موقعیت از حدف اتفاقی خود عدول کرده و یافکر مبارزه انتخاباتی و یارلمایی افتد و مطابق اطلاعاتی که خبرنگاران مایدست آورده‌اند در حال حاضر کادر رهبری آنها از منابع ننقی الہام می‌گیرند و همچنین دسایس استعمارگران که می‌کوشند برای اعاده تسلط استعماری خود سرپرده‌گان خود را به مجلس بفرستند

جنپیش عظیمی در تمام طبقات ملت

در سراسر کشور بوجود آمده و برخلاف گذشته که قسمتی از مردم

خود را وارد معراج کردند

مبارزات سیاسی نمی‌کردند این بار

آنها در انتخابات نهان است که از

پیشوایان و رهبران دین برای اینکه نگذارند دشمنان خدا و رسول وطن وارد مجلس شوند از فراز هنار ماجد مردم را دعوت بشرکت خواهند کرد

انتخاب نماینده آنها مؤز است.

همچنین گفته‌اند نظر من اینست که

این بار نماینده‌گان مجلس انتخابات

از دست ملت بکیرند زیرا اینصورت خود را

یارلمایی گفته می‌شود تقریباً در حدود ۳۵۰ نفر

از نماینده‌گان از انتخاب شدن خود در دوره آینده مایوسند. اینهاست رسیه

سیاری از تنشیات و عدم رضایتها و

هیاموهایی که اخیراً در مجلس و مطبوعات

بلند شده و تا پایان انتخابات روز بروز هم

شدیدتر می‌شود ولی بازار آنچه برای همه مسلم

است این است که اکن دکتر مصدق سر کار

بیاند در رویه خود هر کسر تغییری بخواهد

داد و بنفع زید و عمر شخصاً قدمی برخواهد

داشت.

آقای دکتر مصدق حقیقت است که اکن

تمام مأمورین موثر دولت را که ممکن

بود گفته شود بر اثر اعمال نفوذ ها وزد و

بند با کلا شهرستانها رفته‌اند باقاعد عوض

وجایجاً کرده ویرای هر حوزه ای بازرسان

قضائی فرستاده اند که ناظر اعمال مأمورین

و کارگان دولت بوده و از هر گونه اعمال

نفوذ و دخالت مأمورین دولت جلوگیری

نمایند این است نظر قطعی و رویه ای که

آقای دکتر مصدق در انتخابات دوره هفدهم

یش گرفته و بر هیچ شخصی غرض نمی‌پوشیده

بیست.

البته ممکن است اطرافیان ایشان یا

کسانی که ممکن است مساعدت جبهه ملی یاد کنند

مصدق همکاری کرده‌اند غیر از این فکر کنند

ولی خود دکتر مصدق فکری جزاین ندارد

که بقول خودش پایه انتخابات آزاد را در

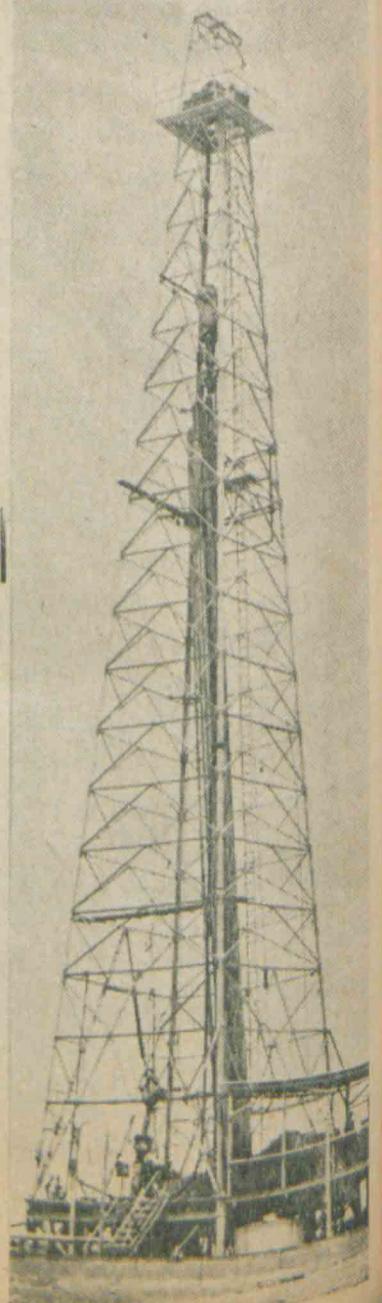
کشور بگذارد.

#### عدم رضایت مستظل الوکاله ها

آنها در انتخابات نهان است که از

پیشوایان و رهبران دین برای اینکه نگذارند دشمنان خدا و رسول وطن وارد

مجمعات در انتخابات شرک خواهند کرد



از آداؤفر یصفه مردم با تلاقی آنمه جماعت

برای انتخاب نمایندگان خود  
کنار صندوقهای اخذ آراء حاضر  
شوند و با یک رستاخیز ملی و  
دینی تمام قشنه های دشمنان دین  
و وطن را قش برآب نمایند.

ما اطمینان داریم این بار هم ملت ایران  
از این آزمایش روشنید و سر بلند بیرون  
خداد آمد و کسانی که همین اقدامات  
در اغراض شخصی میباشدند غلط دور  
وطن دست از اغراض پلید نفسانی کشیده  
 فقط بوطن و آینده آن خواهد اندیشید  
کوشش خواهد کرد که در جمهوری  
پرستان در انتخابات شکافی وارد نشود زیرا  
هر شکافی وارد شود بسود دشمن وطن و پسر  
استقلال کشور تمام خواهد شد.

### مشکلات مالی و اقتصادی

دومن مشکل مهم فعلی دولت آقای  
دکتر مصدق مشکلات مالی و اقتصادی است  
که بر اثر ازدست دادن عایدات نفت جنوب  
و نفغان ارزدوزات اکنون با آن دست بگیریان  
است نباید انکار کرد که یک قسمت عمده  
مشکلات اقتصادی و مالی دولت فعلی تیجه  
سوء مدیر دولتهای گذشته است که هیچ وقت

یک برنامه ثابت و نئر بخش اقتصادی برای  
اداره کشور نداشتند و قسمت مهمی از ارز  
کشور را پیز درسازمان برنامه بهادردادند.

یک علت دیگر آنهم اینست که دولت  
فای نیاز ۸ ماه پیش که روی کار آمد فکر  
امروز را نکرد یعنی یک شخصیتی بر جسته  
و آگاه در رأس امور مالی کشور نداشت که از

همان ابتدا نقشه عملی و مفیدی برای بهبود  
امور اقتصادی طرح و بسورداجه اگذار دفعاً  
دولت طبقی که برای مبارزه با مشکلات

اقتصادی بیش گرفته در قسمت ارزی تصویب  
مقرر آتی است که از اتلاف ذخیره ارزی کشور  
جلوگیری کند و برای انجام دادن این مقصود

هیئت وزیر آن در مجلس هجدهم ماه تصویب نمود  
که از تاریخ آن کمیسیون ارز با توجه به مقدورات

ارزی و میزان موجودی کالا در کشور قسمتی  
از کالاهای راکدور آن طبق سهمیه سال ۱۳۳۰  
مجاز است از قبیل انواع روغنه و قماشینهای  
و قندوشکر و دارو و قطعات ید کی ماشین آلات

و غیره موکول بتصویر پر از کمیسیون، ارز  
خواهد بود.

بطور کلی نقشه اقتصادی دولت  
اینست که در حدود ۴۰ درصد از

سهمیه واردات بگاهد و منوعات و  
محصولات داخلی را تشویق کند و همچنین  
برای کاستن از مصارف ارزی چنانکه خواندن کان

ما اطلاع دارند دولت عده ای از سفراء و  
وزراء مختار خود را از خارجه احتفان نموده و

از تعداد کارمندان وزارت خارجه در خارج از  
یوطن های بالک در زد هر روز برای ایجاد اسلام

آراء مردم را بدزدند ولی همت عردن وطن بارگاه خواهد کرد

تجهیز یک نتشه عملی و مفید برای افزایش «وه»  
تولید کشور باشد و کاری کند که  
سرمایه های داخلی که اکنون  
قسمت عمده آن بواسطه توده بازی  
و تنشجات از کشور فرار نموده  
باين کشور برگردان و امنیت قضائی و  
آرامش در کشور برقرار کردد تا سرمایه  
داران تشویق شده و سرمایه های خود را  
در طرق تولیدی بکاراندازند.

امروزه بواسطه بودن امنیت قضائی  
و بواسطه آزاد بودن توده بازی و تنشجاتی  
که کمینست نمایهای داخلی با شاهزاده از بابان  
خودشان که این مملکت را فیر و بینوا  
میخواهند درین کشور راه اندامه اند  
سرمایه داران غالباً سرمایه های خود را  
بیانکهای خارجی انتقال داده و بالا قلدست  
از هر گونه فعالیت صنعتی و اقتصادی کشیده اند  
و باعتقد ما این خود یکی از عوامل هم تشنج  
اوشع اقتصادی فعلی است دولت باید  
بالاخره فکری برای حل این موضوع بکند  
و چاره ای بینندگان دولت و معلمین را بعنوان  
اینکه اضافة حقوق آنها جراحت را در این موضع  
تحزیک باعصاب نمایند و فقط وطن پرستی  
وفد اکاری و از خود گذشتگی این طبقه مردم

ایران کاسته و همچنین در نظردارد در آینده  
از برداشت ارزدولتی برای محصلین و بیماران  
خودداری کند.

از لحاظ درآمدها و هزینه های داخلی  
هم دولت باکستان پاترده درصد از بودجه  
بعضی از وزارت توانهای و فروش اوراق قرضه  
ملی از این توانهای این بودجه برقرار

شود.

آج چه مسلم است دولت در اتخاذ این  
تدابیر ناگزیر بوده گواینکه همین اقدامات  
سبب محرومیت هایی برای مردم خواهد شد  
و باعث افزایش هزینه زندگی و کرانی کالا  
های خارجی شده است معهدها مردم هم  
وظیفه دارند با کمال بردازی و مهارت این  
مشکلات را که امیدوارم موقتی باشند تحمیل  
نمایند.

مردم باید فراموش کنند که هیچ

موقوفیتی بینوند فدایکاری و از خود گذشتگی  
حاصل نمیشود و اگر واقعاً مردم علاقه نداشتند  
باشند که در مسئله نفت موفق گردند باید  
خیلی بیش از اینها از خود گذشت و تحمل  
بعضی دهنده و فدایکاری کنند بخصوص که  
تنها امید دشمنان وطن هم اینست که ملت  
ما را بر اثر فشارهای اقتصادی و مالی ازیزادر

همین اکنون تودها باید تمام فوا کوش  
دکتر مصدق حقه گذشته خبر گزارهای  
دارند که کارمندان دولت و معلمین را بعنوان  
و جراید خارجی و داخلی مقالات و خبرهای  
مفصلی انتشار دادند ولی یکی از نزدیکان  
دولت اظهار نموده: «این نوشته ها و  
خبرهای غالباً بی مأخذ بوده و در  
حال حاضر گفتگوئی که بین نجست  
وزیر و سفیر امریکا جریان دارد  
روی مسائل عمرانی و در زمینه  
کمکهایی بوده که امریکاییان در  
نظر گرفته اند برای بهبود اوضاع  
اقتصادی کشور ما بینایند و تا  
کنون نویعی هم برخلاف منافع و مصالح  
ایران از دولت نکرده اند.

این مقام رسمی شایده ایشکه در باره  
تمدید قرارداد کمک نظامی بین نخست وزیر  
و سفیر امریکا مذاکره کرانی جریان یافته است  
تکذیب نموده و گفت تا آنجا که من اطلاع  
دارم گفتگویی درین باره نشده است البته  
این اطلاعات را بطور خصوصی یکی از  
نزدیکان دولت در اختیار مأذکرات و میتوان  
برای آن ارزش رسمی قائل شد بنا بر این  
باید در انتظار اطلاعات رسمی دولت بود.

**نقش و بانک بین المللی**  
همترین موضوع سیاسی بوز مسئله  
نفت و اداره آن بوسیله بانک بین المللی است  
تا آنچه که ما اطلاع دارم هنگامیکه  
آقای اصفهانی سفیر کبیر پاکستان بدین  
آقای نخست وزیر در واشنگتن بود روزی  
میکند که موافق نمایند ملاقاتی بین  
ایشان و رئیس بانک بین المللی روی دهد  
در علاقه ایشان که بعداً بین نخست وزیر  
ورئیس هیئت مدیر بانک بین المللی روی میدهد  
آقای اوژن باراک رئیس هیئت مدیر بانک نسبت  
کنند و فراموش نکند که صیر و ظفر دوستان  
بچشم مسئله نفت ایران ایزاع لفظ نموده و  
میکنند.

**مشکلات سیاسی دولت**  
مشکلات سیاسی که اکنون دولت  
آقای دکتر مصدق با آن مواجه است از لحاظ  
همیت کم از مشکلات داخلی نیست.

انگلیها همچنان در فکر برانداختن  
حکومت دکتر مصدق بوده و معتقدند که  
بالآخره مشکلات اقتصادی باعث سقوط دولت  
دکتر مصدق میشود و ضمناً از انواع بحرانات  
و تبلیغات برعلیه دولت خودداری ندارند  
و جناح لفظ حزب تودهم که بیش برده  
از آنها الهام میگیرد باید با کردن اعتسابها  
و احوال و اقسام تحریکات برای منعطف دولت  
کوشش دارد.



آرزوی همه وطن پرستان» ایست که دستهای نایاب آلوده خوانند باره ملت ایستبرد  
زده و بنام اشخاص نایابه رأی در این صندوقها برپانند، اعمال در تهران برای  
اخذ آراء مردم پاخت و حومه ۲۶ صندوق دایر خواهد بود.

در باره روابط امریکا هم بادوک آفای  
دکتر مصدق حقه گذشته خبر گزارهای  
دارند که کارمندان دولت و معلمین را بعنوان  
و جراید خارجی و داخلی مقالات و خبرهای  
مفصلی انتشار دادند ولی یکی از نزدیکان  
دولت اظهار نموده: «این نوشته ها و  
خبرهای غالباً بی مأخذ بوده و در  
حال حاضر گفتگوئی که بین نجست  
وزیر و سفیر امریکا جریان دارد  
روی مسائل عمرانی و در زمینه  
کمکهایی بوده که امریکاییان در  
نظر گرفته اند برای بهبود اوضاع  
اقتصادی کشور ما بینایند و تا  
کنون نویعی هم برخلاف منافع و مصالح  
ایران از دولت نکرده اند.

این مقام رسمی شایده ایشکه در باره  
تمدید قرارداد کمک نظامی بین نخست وزیر  
و سفیر امریکا مذاکره کرانی جریان یافته است  
تکذیب نموده و گفت تا آنجا که من اطلاع  
دارم گفتگویی درین باره نشده است البته  
این اطلاعات را بطور خصوصی یکی از  
نزدیکان دولت در اختیار مأذکرات و میتوان  
برای آن ارزش رسمی قائل شد بنا بر این  
باید در انتظار اطلاعات رسمی دولت بود.

**نقش و بانک بین المللی**  
همترین موضوع سیاسی بوز مسئله  
نفت و اداره آن بوسیله بانک بین المللی است  
تا آنچه که ما اطلاع دارم هنگامیکه  
آقای اصفهانی سفیر کبیر پاکستان بدین  
آقای نخست وزیر در واشنگتن بود روزی  
میکند که موافق نمایند ملاقاتی بین  
ایشان و رئیس بانک بین المللی روی دهد  
در علاقه ایشان که بعداً بین نخست وزیر  
ورئیس هیئت مدیر بانک بین المللی روی میدهد  
آقای اوژن باراک رئیس هیئت مدیر بانک نسبت  
کنند و فراموش نکند که صیر و ظفر دوستان  
بچشم مسئله نفت ایران ایزاع لفظ نموده و  
میکنند.

**مشکلات سیاسی دولت**  
مشکلات سیاسی که اکنون دولت  
آقای دکتر مصدق با آن مواجه است از لحاظ  
همیت کم از مشکلات داخلی نیست.

انگلیها همچنان در فکر برانداختن  
حکومت دکتر مصدق بوده و معتقدند که  
بالآخره مشکلات اقتصادی باعث سقوط دولت  
دکتر مصدق میشود و ضمناً از انواع بحرانات  
و تبلیغات برعلیه دولت خودداری ندارند  
و جناح لفظ حزب تودهم که بیش برده  
از آنها الهام میگیرد باید با کردن اعتسابها  
و احوال و اقسام تحریکات برای منعطف دولت  
کوشش دارد.

**مشکلات سیاسی دولت**  
مشکلات سیاسی که اکنون دولت  
آقای دکتر مصدق با آن مواجه است از لحاظ  
همیت کم از مشکلات داخلی نیست.

انگلیها همچنان در فکر برانداختن  
حکومت دکتر مصدق بوده و معتقدند که  
بالآخره مشکلات اقتصادی باعث سقوط دولت  
دکتر مصدق میشود و ضمناً از انواع بحرانات  
و تبلیغات برعلیه دولت خودداری ندارند  
و جناح لفظ حزب تودهم که بیش برده  
از آنها الهام میگیرد باید با کردن اعتسابها  
و احوال و اقسام تحریکات برای منعطف دولت  
کوشش دارد.

# میخواستند باید آن را ایشکاههای

## باید آن را ایشکاههای

دو کشتی بادی حامل اسلحه و مهمات از گویت بخار فشط العرب حرکت کرد

اعراب و طوایف سرحدی میخواستند لوله های نفت را قطع نمایند...

چگونه لوله ها پشت صور هم پیش گیندند؟.. نوده آیه‌ای فتنی میخواستند دست بخراپکاری زده، و کارخانه برق آبادان را از کار بیندازند!

هیئت مدیره بعمل میآمد و این اشکالات

سبب شد که توطنه کنندگان توافقند در انجام این فکر موفق شوند.

پس از آن دومین قسمت از نقشه خرابکاری و هرج و مرچ در مناطق نفت خیز

بمرحله عمل درآمد، روز ۱۷ آذر ماه دو

کشتی بادی بزرگ از گویت بطرف آبادان

کسب شده است برای ایستگار نفشهای

کوئاکوئی طرح کردند که از آنجلمه تقسیم

یو و اسلحه بین اعراب سرحدی، و تحریر

برای از کار انداختن دستگاههای نفت بود.

در این باره شایمات عجیب و غریب در افواه

منتشر شد و هر روز خبرهای تازه‌ای منتشر

میگشت، حتی یکروز شایع شده بود که

قرار است کارخانه ای نبود، ولی موضوعی که

جلب توجه یکرد این بود که این دو کشتی

بین طرفین تقسیم شود...

بهر حال جالب ترین موضوعی که در این

خصوص شایع شد، موضوع طرح نقشه برای

انفجار قسمتی از پالایشگاهها بود، برای

ایستگار چند نفر از تسودهای نفتی که

تحصیلات خود را در لندن گذرانده و حتی دو

سنه‌نفر از آنها بدراحت نشانه‌ای نائل گردیده

بودند در نظر گرفته شدند، اولین قسمتی که می-

باشی هندهم شود دستگاه شماره ۲۰ بود

که برای بکارگیران آن آنمه در دنیسر

وصدا شده بود، اگر این نقشه عملی میگشت

در کنار یکی از خلستانها بdest عده ای

از طوایف سرحدی برسد و آنها هم برای

قطع لوله‌های نفت از مواد منفیه داخل

بکوئند «ما از اول هم گفته بودیم که

ایرانیان توانند تأسیس نفت را بکاراندازند»

بالاخره اقدامات مقدماتی انجام شد

و اشخاصیکه میایستی دستگاه شماره ۷۰

را منهدم کنند تعیین گردیدند، چند بمب

شیده‌انفجار در یکی از خانه‌های بخش

«بوارده» آمده شد، تنها اگر یکی از

اولمه‌های این دستگاه منفجر میشد کافی بود

که در عرض چند ثانیه یک محظوظ بسیار وسیع

غرق در آتش شود، اما دوروزیش از آنکه

این نقشه بمرحله عمل درآید مخازن افت

پرش و مجبور گردیدند که دستگاه شماره

هفتاد را از کار باز دارند، و بعای آن

دستگاههای تقطیر کوچکتری را بکاراندازند

با تعطیل شدن دستگاه شماره ۷۰

نشه عمال شرکت سابق بکلی بی از ماند

زیرا مأمورین مزبور دیگر در این قسمت

از پالایشگاه کاری نداشتند و بعلاوه از جند

روز قبل هم مناقب های دقیقی از طرف

رابکردن درآورند...

وقتی این موقوفیت تدبیر مهندسین و

کارگران ایرانی شد، کارگران ایرانی

سابق در صدد برآمدند شروع با خال و

خرابکاری نمایند و طبق اعلامی از خبر

بعض مطلعین که اخیراً از آبادان آمده‌اند

کسب شده است برای ایستگار نفشهای

کوئاکوئی طرح کردند که از آنجلمه تقسیم

یو و اسلحه بین اعراب سرحدی، و تحریر

برای از کار انداختن دستگاههای نفت بود.

در این باره شایمات عجیب و غریب در افواه

منتشر شد و هر روز خبرهای تازه‌ای منتشر

میگشت، حتی یکروز شایع شده بود که

قرار است کارخانه ای نبود، ولی موضوعی که

مراجمت کنند و عابدی نفت همینجا در صده

بین طرفین تقسیم شود...

بهر حال جالب ترین موضوعی که در این

خصوص شایع شد، موضوع طرح نقشه برای

انفجار قسمتی از پالایشگاهها بود، برای

ایستگار چند نفر از تسودهای نفتی که

تحصیلات خود را در لندن گذرانده و حتی دو

سنه‌نفر از آنها بدراحت نشانه‌ای نائل گردیده

بودند در نظر گرفته شدند، اولین قسمتی که می-

باشی هندهم شود دستگاه شماره ۲۰ بود

که برای بکارگیران آن آنمه در دنیسر

وصدا شده بود، اگر این نقشه عملی میگشت

در کنار یکی از خلستانها بdest عده ای

از طوایف سرحدی برسد و آنها هم برای

قطع لوله‌های نفت از مواد منفیه داخل

بکوئند «ما از اول هم گفته بودیم که

ایرانیان توانند تأسیس نفت را بکاراندازند»

بالاخره اقدامات مقدماتی انجام شد

و اشخاصیکه میایستی دستگاه شماره ۷۰

را منهدم کنند تعیین گردیدند، چند بمب

شیده‌انفجار در یکی از خانه‌های بخش

«بوارده» آمده شد، تنها اگر یکی از

اولمه‌های این دستگاه منفجر میشد کافی بود

که در عرض چند ثانیه یک محظوظ بسیار وسیع

غرق در آتش شود، اما دوروزیش از آنکه

این نقشه بمرحله عمل درآید مخازن افت

پرش و مجبور گردیدند که دستگاه شماره

هفتاد را از کار باز دارند، و بعای آن

دستگاههای تقطیر کوچکتری را بکاراندازند

با تعطیل شدن دستگاه شماره ۷۰

نشه عمال شرکت سابق بکلی بی از ماند

زیرا مأمورین مزبور دیگر در این قسمت

از پالایشگاه کاری نداشتند و بعلاوه از جند

روز قبل هم مناقب های دقیقی از طرف

از روزیکه‌های مأمورین خلیج بدیخواستان خبرنگاران روزنامه‌هادر نیویورک و فیلاندی

و واشنگتن بادکنک مصدق مصائبیمیکردند، همچنین بترجمه سه و نیم ایران را بر بالای درهم‌جامیر سیندند «شما که کارشناسان مطلع

ناریه‌ی افغانستان را میخواهید تأسیس آبادان را به تنهایی اداره کنید؟»

اما هنگامیکه خبر و سید دستگاه شماره ۲۰ بکار افتاب‌دروز ایشکاههای ایرانی دارد، عمال

زده از این روزهای بخواهند بهر قیمت شده باشند و اینها بتوانند بدانان آزادی را بازیابی کنند

با اینکه مصلحت ایشکاههای ایرانی داشتند، اینها بتوانند برای اداره موسسات نفت، از آنها کمک بخواهند.

روزیکه دکتر مصدق بشورای امنیت رفت، روزنامه‌های انگلیسی توشتند ایرانیها

که تا آن حد مورد تحقیر و بی اعتنای آنها ایران بامی کردند، رئیسی که میگفت اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

نفت را تصمیم‌گیرند، اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

و اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

که در باره ایشکاههای ایرانی تحقیر و بی اعتنای آنها باشند و اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

نفت را تصمیم‌گیرند، اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

و اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

که در باره ایشکاههای ایرانی تحقیر و بی اعتنای آنها باشند و اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

نفت را تصمیم‌گیرند، اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

و اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

که در باره ایشکاههای ایرانی تحقیر و بی اعتنای آنها باشند و اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

نفت را تصمیم‌گیرند، اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

و اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

که در باره ایشکاههای ایرانی تحقیر و بی اعتنای آنها باشند و اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

نفت را تصمیم‌گیرند، اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

و اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

که در باره ایشکاههای ایرانی تحقیر و بی اعتنای آنها باشند و اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

نفت را تصمیم‌گیرند، اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند

و اینها بتوانند بدانانه دار ایشکاههای ایرانی را بازیابی کنند





شمشیرکنیه بزرخ مادرکشیده‌ای

ای نا خلف پسر تو ز مادر حجه دیده‌ای

رثی شعر نو ای پیرهان بختیار

فجایع جمعی بیوطن و فاسد، که نام خود را توده ای نهاده اند و در حقیقت مزدوران سفارت روس و انگلیس، و مجریان استعمار طلبان جدید و قدیمیند، شاعر حساس و نامدار معاصر آقای پژمان بختیاری را ساخت متاثر ساخته و موجب گردید که از طبع وقاد و قریحه سرشار استاد این چکامه نفر تراویش نماید، ایکاش این سخنان نفر و آتشین گهر اهان و فرب خورده‌گان را بخود آورد، و آنرا از خیانت بمادر و پدر، و خانواده و وطن باز دارد، ما امیدواریم سایر شاعران هنرمند و دانشمند معاصر از استاد پژمان پیروی نموده و برای هدایت و راهنمائی جوانان و نونهالان وطن، چامه‌ها و اشعاری بلند بسرایند.

مورد استفاده  
لطفاً های ف  
کرد، در ت  
مالیه نعمی  
حرکت کر  
در همی  
مالیه ایران  
فرابوه اکث  
و شرکت مد  
میلیون دلار  
امیاز منابع  
شود، قوام ا  
موفق شد  
بگذراند که  
سید انتیار  
سال بکمبان  
لطفای این  
دولت اینکار  
نفت ایران  
درنهان بای  
که در زما  
سال ۱۸۹۶  
شده که بعدا  
ویچوشتر  
نم در ترتیبه  
تو سال ۱۹۰۶  
ایران بد

زندگانی شور نفت نوا را فرزندیار  
شوری دگر نماند که این بدندازد.

با دختران ساده دل جلوه خواه خلق

لعلی نماند از دغلی کاین دغا تکرد

هر روز خانه‌ای ز عیات بنا کند

بالله صفا و رفق و مدارا صلاح نیست

جوری دگر بنام نیاکان ما نماند

کاین حرب بی شرافت نک آزما تکرد

شاعر نماند و شاه نماند و خدا نماند

هرچ آن مقدس است در ایران بجانماند

جان باختن براه وطن افتخار ماست

ای توده‌ای بمیر که اینکار کار ماست

در گاه پست دشمن جانی حصار تست

بازوی مهر مردم ایران حصار ماست

آنکو خلاف وحدت ایران صلا دهد

مردود ما و دشمن شهر و دیار ماست

ما کیستم آن غیره ملتی که دهر

از هرجهت که در تکری و اعدام ماست

مشحون بذکر گوهر ما و هیمار ماست

مرهون خروان ساستدار ماست

ملپت و نزد برم عم تو باطل است

وان باطل تو حق من و خشنوار ماست

یارب روا مدار که افتند بکار ما

آنچ آرزوی توده‌ای نابکار ماست

ای قبله گاه ملت زردشت و نسل جم

ای مادر، ایوطن که دلت خون ز کار ماست

گر در خور قدم درست نارمات

سد قویم تو قدم استوار ماست

میراث رفیشان بلند اقتدار ماست

تا روز خشن مایه عز و وقار ماست

نامی تر روز گار کهن روز گار ماست

ای نی پدر بیام بدر افتخار ماست

نام تو نک عاشدو فخر تو عمار ماست

تفسیر گوی سحر و فسون رهنمای تست

دانم که دست اجنبیان دستیار تست

دشمن پرست و خنکشی اما بلطف حق

ای آبرو بیاد ده این خاک مشکل بیز

شمیر کیسه برش مادر کشیده ای

ای نا خلف پسر تو ز مادر چه دیده ای

شماره ۴۳۸

بردار پرده را و بین حرب توده را

با نام توده کب و جاهت گند وزور

آتش زند خمن آفت رسیده را

بر سینه سنتک بزرگ از آن زند باز

تا بدر و ند کشته صدره دروده را

و بیران گندز آتش یداد دوده را

این بوم شوم نفمه دشمن سروده را

گمره گند بو سو سه افکار ساده را

طغیان دهد بسفطه ارواح سوده را

در چشم سادگان گند ایندست دوزخی

توان بشاهراه امانت گشاند باز

گر سودگان پنذیرد بروز گار

برسته اند چشم بپرس گار جری

تا نشوند حرف حق ناشنوده را

بهر خدا خلاص گند از دهان گرگ

این برگان جا هل غلت فزو ده را

بیرون گند از سر نو باوگان خویش

از بهر حق دروغ حقیقت نموده را

مشکل توان گرفت ولی میتوان گرفت

از چنگ دزد گوهر آسان ربو ده را

آنچ از قیام پیشوی دیده شدیں است

بر سگ آزمون مزند آزموده را

این حزب نا بکار چه خونها و خانه ها

بر باد داد و میدهد از این ترانه ها

تا حرب توده پرده زر خاره و اتکرد

ما را بعیت فطرت خویش آتنا تکرد

با نام عدل و دعوی آزادی ایدریغ

یک ناسزا نماند که این ناسزا تکرد

از دردشکوه گرد و بدر مان جودست یافت

یکندر در را برای نایش دوا تکرد

سالی ادو با حمایت نیروی اجنبی

این لی پدر بمادر ایران چه تکرد

اینچ جز خطا و خیانت تکرد لیک

باشد که بیرون پریشان دماغ او

برهان صدق و مدرک قوی دریغ بود

تا این غراب شوم در آن لاهه جان تکرد

استاد را همیشه پدر خوانده اند لیک

این نا خلف ز روی پدر هم حیا تکرد

ویحک ز بندگان خدا شرم چون گند

آن دلیاه سله که شرم از خدا تکرد

آلوهه رفته است که این خیل ناگار

گاهی بنام دانش و گاهی بنام صلح

کرد آن ستم که دشمن خونی بمان تکرد

تهران مصور



پس از جنگ بین المللی اول که فقر و بیخی دامنگیر عموم ایران شده بود، دولت وقت در صدد کسب عایدات جدیدی برآمد. چون تأآن موقع هر وقت دولت در سدة برمی آمد از یکی از همسایگان شمالی و جنوبی قره بیهی می بگیرد که قفار کشمکش و رفاقت و تحریکات گوناگون میشد، لذا باقای حسین علاء وزیر مختار ایران دروانشکن دستور داد با دولت و مقامات آمریکائی برای گرفتن قره بیهی وارد مذاکره شود.

آقای علاء برای تعلیم امور مالیه ایران

مشتری از آن دولت تقاضا نمود، و برای استخراج و بهره برداری منابع نفت شمال ایران با کمک ای اسنا دار اویل «استاندار اویل» وارد

مذاکره شد، ولی هنوز مذاکرات بجایی نرسیده بود که «لرد کرزن» وزیر امور خارجه انگلستان بدولت ایران فشار آورد

ناعلاه را اختبار کند و ضمناً پیشنهاد کرد برای تأسیس هر گونه مؤسسه بهره برداری

نفت، سرمایه انگلیسی و مستشاران انگلیسی موره استفاده قرار گیرند، دولت ایران

لائحتهای فوقدار نمود و تا مدتی استاد کی کرد، درنتیجه دکتر میلیوبونوان مستشار

مالیه تعین و باافق میسیونی بطرف ایران حرکت کرد.

در همین موقع «شوستر» که خزانه دار

مالیه ایران بود مذاکراتی با «استاندار اویل»

درباره اکتشاف و استخراج نفت شمال کرد و شرکت مذکور را حاضر نمود که در ازاء اعد

میلیون دلار قرضی که بدولت ایران میدهد

امتیاز منابع نفت شمال ایران با و اکشار

نمود، قواه سلطنه هم با تردی عجیبی

موفق شد در ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱ قانونی از مجلس

بگذراند که بمحض آن بدولت اجازه داده

پیش امتیاز نفت شمال را برای مدت پنجاه

سال بکمیابی هزبورو اکشار کند، ولی چون

امتیاز نفت شمال را بکمیابی مقاصد

دولت انگلستان بود، باین جهت فرواش کت

نفت ایران و انگلیس توسعه سفارت انگلیس

در تهران باین امر اعتراض کرد و ادعای نمود

که در زمان صدارت سپهبدار اعظم در سال ۱۸۹۶ امتیازی از دولت ایران گرفته

شده که بعداً بدیکفر تبعه روس با اسم «تفود

و شه خوشباره» فروخته شده است و آن شخص

هم درنتیجه عدم رضایت از امتیاز مذکور

در سال ۱۹۱۶ امتیاز جدیدی از دولت

ایران بسته است آورده است، پس از آن

دوسترا برای این اطلاع از این جریان، حاضر شد مذاکرات خود را با این شرکت ادامه دهد، و با کمیابی سپهبدار کنسلیسا تباشیل کوربرشن که دولت امریکا رسماً از آن حباب مینمود وارد مذاکره شد.

شوستر با شرکت استاندار اویل در باره استخراج نفت شمال مذاکره نمود.



در کاینه سپهبدی چهار کمیابی  
آمریکائی و انگلیسی تقاضای  
امتیاز نفت گردند

## پنجاه و پنجم سال پايش ، سپهبدار اعظم امتیاز نفت شمال ایران را به یمگان داد میخواستند عمارت مجلس را آتش بزند

کمپانی سینگلر در برایر گمپانی ایران و انگلیس «دانو بروزین زد

ماژور آیمبری ، قربانی جیره خواران شرکت نفت گردید

وقتی کافتار ازده مایوس شد ، توده ایها در پناه کامیونهای حامل ارش در خیابان های

تهران علیه دولت ایران میتینک دادند



### جاسوسهای کمپانی سابق ، میخواستند عمارت مجلس شورای ملی را آتش بزند

مجر کین چون از این عمل تبعیه نگرفتند سینگلر برخلاف نظر استاندار اویل

چند روز بعد «ماژور روبرت آیمبری» کنسولیار سفارت امریکا در تهران هنگامی

که در چهار راه حاج شیخ هادی مشغول عکس استغراقی قرار داده بود، حاضر شد بهی ازسود قطعی شرکت را بدولت ایران بدهد.

دولت ایران مجدداً از مجلس شورای ملی تقاضا نمود که اجازه مذاکره با شرکت اینگلر را بدهد، درنتیجه میلس در خرد داد

بود سالمها در شرق ترذیک و شرق میاله فعالیت میکردند که در اینجا بشرکت مذکور شروع میداشتند.

«کنسولیار امریکا در تهران مازبور و برت

ایمبری، بدست یکمده جیره خواران کمیابی از اذله و ایشان بقتل رساندند، «هارولد اسپنسر»

که یکی از مأمورین «اینتلیجنس سروس» بود سالمها در شرق ترذیک و شرق میاله

فعالیت میکردند که در اینجا بشرکت مذکور شروع میداشتند.

پس از چند ماه مذاکره بیش نویس قراردادی تهیه شد و برای تصویب مجلس شورای ملی ارسال گشت، در این موقع دستهای خواست امتیاز نفت شمال را برای شرکت امریکائی سینگلر بست آورد.

با قفل آیمبری، روایت ایران و امریکا

تیر شد و سینگلر نیز درست از فعالیت برداشت، و با دیدگیر ثابت شد که این ماده سیاه و سیال

سبب بروز حوادث بزرگ سیاسی و نظامی و انقلاب و ترور و تغییر رژیم بوده و هست.

سومین امتیازی که با امریکائیها

داده شد

در زمان سلطنت رضا شاه، مجدداً

فعالیت هایی برای کسب امتیاز نفت شمال ایران شروع شد، در جایه یازدهم بهمن

۱۳۱۵ مجلس ایران رسماً اعطاء امتیاز نفت

آمریک و ایران تصویب کرد، اما هنوز دو سال از تصویب این امتیاز لگذشت

بود که «چارلز هارت» و فردوبیک کاردر

کلاب، رئیس و نایب دیس شرکت هزبورو طی نامه ای بدولت ایران اطلاع دادند که

از استفاده از امتیاز مزبور بعلای که نمیتوانند دلایل آنرا توضیح دهند. صرف نظر

نموده اند، در نامه مزبور نوشته شده بود

«شرکت میخواهد این نکته دانسته شود که کتابه کیری شرکت از امر استخراج

نفت در این کشور ارتباطی با فضای زمین

شناختی و امکان پیش نمودن نفت و باید اسحاق دیگری که در داخله ایران موجود است ندارد. ترک اینکار از این فرو لازم شده است که رقابت شدیدی اکنون در باره محصولات نفت خارجی وجود دارد، بعلاوه اوضاع فوق العاده نامساعد تجاری و اقتصادی و سیاسی ایز که در تمام دنیا موجود است، مانع انجام اینکار شده است»

### چهارمین امتیاز نفت شمال

پس از هشت سال بار دیگر در کاینه سپهبدی در دیمه ۱۳۲۲ از طرف شرکت های انگلیسی و امریکائی «استاندار اویل» و اکیوم - شبلر - سینگلر و بول - دوج شل نمایندگانی تهران آمدند، و راجح بگرفتن امتیاز نفت در بعضی از فلکات ایران مخصوصاً به بزرگواری و استفاده از منابع نفتی در منطقه جنوب شرقی ایران «پلوچستان» با دولت وقت وارد مذاکره گردیدند، و بیشنهادهای از طرف شرکت های مزبور مطالعات علمی و عملی در بیشنهادهای فوق راجح بکسب امتیاز نفت شمال دونفر مستشار فنی از امریکا استخدام نمود، این دو نفر که بنام «هوور و کورپس» بودند در کمیونهای که با حضور سهیلی و «روسان» مستشار امریکائی دولت ایران تشکیل میشند که نمودند و نظر باتی دادند، وای هنوز کار آنها به متوجه نشیده بود که دولت تغییر کرد و از طرف اویل کار آمد و کافتار ازده نیز وارد ایران گردید.

### شور و یاهام نفت میخواهند

که اواخر شهریور ۱۳۲۳ «کافتار ازده» معاون کمیاری امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی بریتانیا هسته هیئت مرکب از کارشناسان نفت شوروی بایران وارد شدند که از طرف کافتار ازده در درجواب سؤالاتی که از طرف اینها پیشنهاد شدند، یکی از روزنامه کارکاران از او شد، راجح بسأروریت خود در ایران گفت: «من در رأس یک هیئت دولتی بمنظور مطالعه وضع شرکت نفت کشور خود را بازدید کرد و در اینجا نفت شمار را در ازده داده بودند

با این نشانه ازده از طرف ایران

قوای یگانه بود، کارشناسان و علمای زمین

شناخت شوروی قبل از فرمتهای شمالی ایران

باقیه در صفحه ۲۱

دویزه ازده ام، چون در آن موقع ایران بحث اتفاق

کارشناسان و علمای زمین

باقیه در صفحه ۲۱

دولت ایران با وجود مخالفت شدید کر میلیوبورا استخدام کرد

شماره ۴۲۸



# یک خانم کلکسیونر

شیرینترین قصه زندگی  
خود را شرح میدهد  
گنجی که بچه‌ها قیچی میکردند - خودم  
محروم شدم تا ویولون سالم **بماند** -  
لای قایق‌ها یک عتیقه جاندار دیدم -  
میزی که زن را بشوهرش **شناساند** - همه  
مکنت خود را داد و یک رختخواب خرید -  
لیس ترین تابلوها در دکان **نانوائی** -  
یادگار شاهدیوانه - رویائی که عجیب ترین

شیئی یا شخص خود بود، یکی بیجاش را  
صدای میکرد، دیگری فکری، جز حققا  
پولهای خود نداشت ولی من فقط بفکر  
ویلون بودم و بادو دست خود نرا بالای

اخيراً يکی از خانمهای عتیقه شناس پارس بنقضای دوستان خوددها حکایت و سرگذشت شیرین دوران جمع آوری عتیقه، جات خود را در اختیار یکی از جرااید گذاشته است که دو اینجا ترجمه بعض از حوادث بین آن از نظر شمامیکندرد.



## ویو لو نم عیب تکند خودم بجهنم

سرم نگهدارشته بودم. تیجه این شد که چندین  
جای بدنم مجروح شد و چند ماه گرفتار  
گردولی و بولون بیچوچه آسیب ندیده .  
**عتیقه جاندار**  
در «بردو» یک دوشیزه بیرون که آشنازی  
من بود با برادر زاده دوازده ساله اش که پسر  
زیبا و جذابی بود زندگی میکرد یکروز  
برای خرید چند تکه قالیچه باین شهر قفت،  
قالیچه هارا خریدم و در انتظار کامیونی بودم  
آن میز رنگیزدگی قرار داشت در روی  
آن هقدار زیبایی کاغذو کتاب بود و از چهار  
بک آلبوم قطور نیز روی آن باز بود. من می‌دانم  
که اجازه مشغول دیدن عکسهای  
آلبومن شدم، نمونه لباسهای فرن هیجدهم  
پردازی هنگامیکه چند صفحه آفر ورق زدم  
نهیض کرد زیرا اغلب صفحه های آنرا  
با چیزی برداشته بودند و اتفاقاً آلت جرم یعنی  
فیضی هم روی میز بود، خانم دک چون مردا  
نهیض دید گفت:

لارین بیجه های شیطان اوقات ییکاری  
خودرا بدقطمه قله کردن عکس های این  
آلبوم میکنند، آنکه به کلیسا فته اند  
و چون بر کردند بکار خود مشغول خواهند  
شد.

دانستم که قدر او را این آلبوم را  
سیداند. از خواهش کردم آنرا بنمایم باز و شد، او  
نم راضی شد و با کلیه پولی که در جیب  
نشستم آلبوم را خریدم و بخانه آوردم، این  
اولین قسمی بود که در راه جمع آوری اشیاء  
آنثار قدمیم برداشتیم و چون موفق شده بودم  
با این کار تشویق شدم.

بنخاطر یک و یو لوون

بیز یادگاری

در منزل یکی از دوستان پدر میرزا  
که از جوپ «بنوس» ساخته شده بود نظر  
مرا جلب کرد، آینه میز قیمتی نداشت ولی  
بسبب اینکه کار قدیم بود بسیاری من ارزش  
داشت، آنرا خریدم و بمنزل بردم، سه ماه  
بعد کوچه یا صاحب سابق آن روبرو شدم،  
جلو آمد و از من شکر کرد که میز را از او  
خریدم، علت را سوال کردم گفت:  
این یک بیزدات دیدن کردم، درین اشیاء  
مارک و بولون موجود مرا جلب کرد،  
لین شهرهای سازنده و بولون بود و بولون  
لرسال ۱۷۶۰ ساخته شده بود، بهر قیمت  
و بولون را ز دکتر خوبیدم در مراجعت  
لادف بدی روی دادمشین ها چیزی شد و همه  
اوی همراه بخت داشتند. هر کس فکر عزیز ترین

## بخت دارونه !

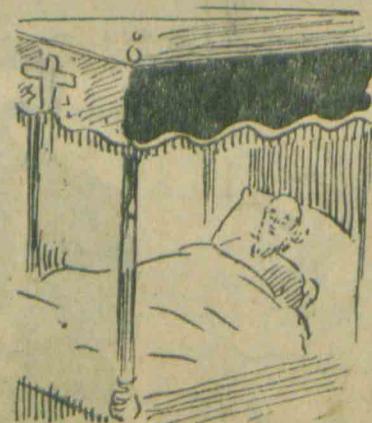
آهسته بداخل اطاق میشوی  
صاحبانه چنان خواب  
ستگینی دارد که اگر توب  
بالای سرش در کنی ییدار  
لیشود

توی اطاق میکنی زانش اگر بیدارشدو برسید کیست صدایت را  
قدیری کلفت و آهسته میکنی و هیکوئی کسی نیست هنم هفتمین باش او  
میخواهدوسفرست کار خود را انجام میدهی دزد قول داد و یهیمن طریق  
عمل کرد . زن میرزا که ازاول شب بامید آمدن او سرمهه همارا  
بطلاق کوییده بود و در جواب سوالات آنها که چرا میرزا نیامده؟  
شاید مخصوصاً از ملاقات باما بیزار است خودش را خورد و  
خشمنگین تر شده بود و بالاخره با خجل و شرمداری آنها را در  
جاهای خود خواهاباینده بود مثل گارک ۳۰ سنه توی رختخواب زیر  
کرسی میغلنید و متقارن ورود میرزا بود مدتها که گذشت و از  
میرزا خبری نشد فکر کرد مبادا بلائی بر شوهر بیچاره اش  
آمده و شاید خدای تکرده دچار سانجه و با حاده های شده لذا  
اتمام آن افکار غضب آسود جای خود را به یک دلوزی و ترحم  
و دل او ایسی عجیبی داد اگر هملا در یک ساعت قتل از آن زن میرزا  
حاضر به شکستن دندان او بود در آن ساعت اگر کسی عزد سلامتی  
میرزا رامیا اور دید مزدگانی خوبی ازدست او دریافت میکرد  
متاسفانه ساعت ها میگذشت و زار میرزا خبری نیست و زن بیچاره  
در اضطراب مخصوصی بلهلو به پهلوی خود را در اطاق صدا کرد  
و هیکلی وارد شد زن میرزا با ذوق و شوق گفت کیه ؟ هیکل با  
صدای بستی جواب داد کسی نیست هنوز میرزا گفت در اگه بروی  
باز کرد ؟ هیکل پس از قدری تأمل با همان صدای گفت گفت آن میرزا  
گفت کجا بودی دلم برایت یکندره شد خیال کردم زیر آتو میمیل روی  
زود باش لخت شو و یازیر کرسی ! و چون دید پس از چند دقیقه  
هیکل از جایش تکان نخورد مجدد گفت چرا استادی یونیورسیتی  
زود باش لیسترا بکان یازیر کرسی ! هیکل اطاعت کرد و منقول  
میرزا آوردن لاسهایش شد و چند دقیقه بعد در کنار زن میرزا  
قرار گرفت . آن اطرف میرزا غلامعلی پنجده قیمه متقارن شد و طبق  
حایی که کرده بود دارد و خانه هم غرق صدا و وحشت شود تا او باسانی  
کلت مفصلی بخورد و خانه هم شده و ثبت خود را با وجود دزدگیری  
تواند وارد هم بود و ماست مالی کند ولی متاسفانه صدای برسنخاست  
دل میرزا شور زد و بخود گفت تکنندز دسته گلی بس آب پدهند و  
زش را بکشد و یا اینکه بدون انجام دادن دستور های او اسبابها  
را آهته برداره و فرار کند الما بایارجین باور جن آمد تایش  
در اطاق رسیدولی بانهایت تعجب قدیمی عقب گذاشت زیرا صدای  
ناندهای شهوت اگریز زن را که قریباً در حدود پنجاه و پنج سال  
داشت شنید سرتاپایش را عرق سردی فرامگرفت و بمرعut داعل  
اطاق شدو گلید چرا خانه ایچا لید . روش شدن اطاق همان و در  
آمدن سه فریاد مختلف از تعجب و خجل و عصیت از سه گلوبی  
مختلف همان ! حاجت به یخت نیست که بران این فریاد سیل نوه و  
نتیجه و عروس و داماد به آن اطاق سر از ایرشد و در یک لحظه  
منظره عجیب دزد لخت و حشت زده وزن میرزا زیمه لخت سر گزیر  
افکنده و میرزا عصبانی را از نظر گذرانیدند .  
چند افراد که ازو حشت شش گردند دو سه شر هم زبانشان از  
دیدند لی عقیقی یک زن پنجه هاشت ساله بند آمده بودو بجه هاهم  
هاج و اوج باین منظره شکاه میکردند .

که از بیشترین و دیدنی ترین پارچه های قرن  
ییجدهم بوده است بفروش میرسد، من می-  
خواستم این رختخواب را خریداری کنم ولی  
بل از من این پیر مرد کلیه اشیاء عتیق خود را  
رای خریداری نختخواب فروخت و آنرا  
دست آورد، از آن پس نختخواب کار دینال  
ا در همان اطاق محقق گذاشت و خود  
روی آن میخوابید ولذت میرزد.

## تаблицهای بدینم

سکریوژ در دکان نانوائی مشغول خرد  
 ان بودم، خاصی با آن دکان آمد و گاذرنده  
 رروی آن نقاشی فشنگ شده بود درست  
 اشتبه که توجه من را جلب کرد، سر صحبت  
 ا با خانم باز کرد و پس از آنکه صحبت را  
 هنابلون نقاشی کشاند متوجه شدم که خال  
 م غرایران، تابلون زا نسبداند و او در جواب من  
 گفت: بقدام ساخته  
 ۱۷



همه هستی خود را داد و این  
فتح خواب کهنه را خرید  
در جن ایندیلان کرده بودند که نخست خواب  
کاربرنال رو آن هم معروف با کلیه محتویات آن

آمیرزا غلامعلی صبح  
که از خانه خارج میشد زنش  
باو گفت مو اخوب باش که باید  
اول شب توی خانه باشی  
چون شب جله است و بجهها  
دور هم جمع هستند وقت  
آمدن هم یات خر بوزه رگام اعلاه بات هندو انهستهین و رسیده با خودت  
میاوری سایر میوه هارا خودم تقویه میکنم . آمیرزا غلامعلی به این  
توصیه سایان دراز بود که عادت داشت و هر شب چله بساط(شب  
چره) روی گرسی از اول غروب فراهم میشد و تا نصف شب  
بجهها و داماد هاو غرسهایش میخوردند و میتفتنند و میخندند  
و اگر شب سرد و برفی هم بود همانجا میخواهیدند منما آمیرزا  
غلامعلی میدانست که بقیه میوه ها را هم خودش باید بخورد و  
زشن این تعارف را برای باد آوری بقیه سورسات محفل شانه  
می کرد .  
باری طارق عصر زودتر در حجره را بست و شاگردش را  
با خود همراه اید و لوازم خواراکی و آجبل را آفرفت و باو  
داد که بمنزل ببرد زیرا خودش منزل یکنی از رفقا دعوت داشت  
و «بخواست به او» بتوید که امثرب راه همان دارد و نهی تو والد باید .  
ولی منزل آن دوست بساط قمار پا بود و عده ای  
بودندار و گردن گلft برای بازی دعوت داشتند و همینکه آمیرزا  
غلامعلی در زد خود صاحیخانه دم درآمد و هر چه اصرار کرد  
که تمام اقوام امتشب منزل هستند و نهی تو اوانم خدمت باشی صاحیخانه  
قول تارد و گفت « فقط یک ساعت بنشین و برو نشان به آن شانی که  
ساعت از آنیمه شب هم گذشت و آمیرزا غلامعلی چون مقدار زیادی  
پاخته بود میل به برخاستن و خانه رفتن نداشت . دلو اپسی از جهت  
منزل و ممه: انانها و غروغز زشن که بسیار بد دهان و سایطه بود  
از یات طارق و باخت های بی دری بی از طرف دیگر روحیه او  
را ابطوری دستخوش شنج کرده بود که بدون ادرارک علاوه بر  
تمام محتويات جیب های خود مقداری هم چک به برندگان داد  
الته آن شب صاحب خانه غذای گرم خواب و مشروب کهنه و کیف آوریهم  
تهیه دیده بود که آمیرزا غلامعلی تا جا داشت شکم خود را از آنها  
معمور کرد .

ساعت سه بعداز نیمه شب میرزا بطریق منزل با کله کرم  
و آدل برشور و پاهاشی ارزان رهسپار شد و همه اش در این فکر  
بودند که جواب زنش را چه بدهد و با دعوا و مرافقه امثب که  
از آن بطور قطع تا یکماده دیگر باقی خواهد ماند چنند؟ و چه  
راه آنچه‌ای ینیدشند؟ رفته رفته میرزا به درخانه اش نزدیکتر  
میشدو هر قدم که بیرون بر میداشت بزمیزان التهاب و اضطرابش  
افروزده تر میگردید در جلو خانه قدری تأمل نمود و در انکر  
بود که چنند ناسماه سایه ای روی دیوار ملاخانه نمود که قصد  
بریدن بداخل حیاط را دارد با کمی دقت تشخیص داد گذشت  
ویرای سرت آمدده نورآ فکری از هر آمیرزاده غلامعلی گذشت با  
حدای آهتهای گفت بایست و الا از همه ینجا میکشتم! ازدیچاره  
احظاه ای ایستاد و به داخل کوچه نگاه کرد آمیرزاده غلامعلی گفت:  
فورآ از راه پشت نام پائین ایاودر کوچه را بار کن تا بتو بولم  
چکر باید بکنی ولی متوجه باش که مختصر صدای بلند نشود.  
چند دقیقه بعد دردبا چشماني دربده و هاج و هاج در را بروي  
میرزا باز کرد میرزا آهته داخل شد و گفت بايد با هم شریک  
شویم والا فریاد میکنم و تو را رسوا عی سازم من راه و چاه  
این خانه را بلدم ولی چاک و ماهر نیستم تو میگوییم چکار باید  
بکنی و صندوق یول و جواهرات کجاست و قتی و همه را برداشتنی  
میانی اینجا تا با هم فرار کنیم ولی مواظب باش آنچه را که  
میگوییم عمل نمائی!  
دزد قول کرد و میرزا غلامعلی باو گفت اطاق خواب  
صاحبخانه وزش درههین جلو حیاط است که از دالان راهدارد

«من مدنی بود حس میکردم که همسر

دیگر مراد دوست ندارد و پای مجدهت می خواستم او اطلاع دهم : آهنگامیکه میزرا بشما خوشبختی اخراج دارد که خوشبخت شد : گفت :

—چون من هنوز ترا دوست دارم و این

نیز اولین یادگاری بوده است که توبیمن دادی  
را راهنمای شرکت مدنتا باشد. من فهمیدم

میں دا سم همیسہ مر سرور بے شان و میں  
کہ همسر ہنوز مرا دوست دارد و بیا و آشتنی

کردم ، فقط شما با خبر بد این سبب شدید که  
با خوش خوش شویم . بعد هنوز را محنده برا این

فیست آر از من خرد رو بخانه اش باز کرد.

رختخواب کار دیناں

دربیکی از شهر های فرانسه پیر مرد  
متاد سالهای، بد که علاقه زبانی بجمع

آوری اشیاء قدیم داشت و منزل بزرگی  
داشت که تمام اطاقها باش بیرون از اشیاء عزیق  
دید خود را، دلیل اطاق کوچک که شاهست

به محض ورود یکه خورد زیرا این  
تالار وسیع و مدخل را مملو از جمعیت دید  
پطوری که در صندلی های پر زک و کوچکی  
کمدور آور آن گذاشته شده بود دیگر جای  
نشست وجود نداشت ، جماعتی اینجا و آنجا  
ایستاده بودند و انتظار میر دند کمش فیاب  
خوند ، نه به یشگاه شاه بلکه بحضور وزیر  
درینل

عرب

قلم: آنوشہ



ملاصه قسمتهای گذشته

ینچه سال پیش «احمد» از مردی آزاد بخواهند خردمند بوجود آمد و درین اورا طبق عالیترین اصول اخلاقی پروردش داد و معنتقش ساخت که بزودی دوران کامرانی دزدان و بی‌ناموسان و مختنان یابان خواهد یافت و اهل صالح پیروز خواهند شد. احمد درین امید بزرگ شد و در فضل و ادب شهرت یافت و عفت دختر بکی از هنرمندان فرهنگی فضائل او شد و با چشم یونسی از زوت پیدا بعثه. اوردرآمد. احمد در وزارت اداره مرسیدولی در نتیجه درستکاری و مبارزه بازدشان و منسخته در مقابل پیکانگان مورد بعض قرار گرفت و بتحریر دشمنان نادرست خود و دستورش کث نفت بر کتابخانه شاهزاده همیشتگر کوشید بیشتر کار شکنی و کار شکنی مواجه شد تا بعایی که در زمان جنگ اخیر با داشتن چندین فرزند کفر قاتل خفرونهی دستی شد وزن ساز گلارش عفت نیز در نتیجه هشدار دادگی و ملاحته جاه و جلال افوان خود زبان باعتراض گشود و با آنکه احمد بیوی اثبات کرد که بسیاری از ترقیات عصری پدست زنان زیبا و بقوت خود فروشی آنان برای مردان حاصل میشودند باعتماد بسلامت افس خود شخصا برای بازگرفتن حق احمد زد وزیر متبع اورفت. وزیر جوان و باکفایت! با همه رذالت و شهوت پرستی در مقابل مناعت و تقوای عفت پیر انداخت و ناگزیر از بوشن دستور انتصاف احمد بمقام مدیر کلی شدولی رئیس وقت کل بوزیر و عده داد که این زن را رام کند. درین میان آقایع، روزنامه‌نویس رذل شهوت پرست در وزارت خانه عفت را دید و مانعه درستی و پیغامی از تقدیم گرفت کام ادل ازویستاند. ویرای رسیدن باین مقصود هنگامی که احمد شخصا کار خودرا در روز از خانه دنبال میکرد و بدرستی فهمیده بود که فقط بقیمت استفاده زربایی زن ممکن است حکم انتصاف اورا باید شد. آقای ع. یات جوان هرجایی؛ بنابرآسفه از دیگر اینها و بعنوان؛ تاجرزاده غیبی‌پور از دهنده و رفاقتنه پیر و جوان را بنام مادر و خواهر او برای خواستگاری دختر بزرگ احمد بخاله او برد و ما بین لشکر و پر احلف موافقت کرد و شنه تا این بود که بفت و عاطقه را به باخ دور افاده می‌بکشاند و مقاده خود را برآورد. ولی این نقشه در آخرین لحظه بر اثر مرگی دیر احمد باطل شدو احمد می‌از تحقیقاتی دست که بین نگی در کاربوده است وائز. مؤاخذه کره ولیع « بازرنگی و ترویج چنین جلوه داد که استهاره ای کلامه را نیز بر داشته و تاییدید شده است. - از آن پس زندگی بر احمد سخت شد و مایوس از دستگاه دولت از رامپیغی مخفیانه مقدمات تأسیس دکانی بنام ترقیات بصر طالانی مفاهیم جکر کن احمد نویسنده و داشتمند معروف « فراهم آورد و آثار و مدارک تضمیلی خود را در پیشین های آماده ساخت که جاو دکان گذارد و خود در آنجا مشغول کار شود؛ مهدی دوست قدیم احمد اورا با دلالت قوی ازین کار که ممکن بود بهانه و موصی آشوبگری بدست ماجراجویان داده هنصرف ساخت و بنا فرض کردن هبلقی یک مؤسسه مطبوعاتی تأسیس کردند ولی عالم کسب و تجارت را بیز همان از تقلب و نادرستی و بیشتری دیدند و با ضرر بیار دست از آن کشیدند. وضع مملکت روز بروز بدروزگان کی احمد سخت تر میشد درین اثنا روزی در یادگجلس سخنرانی فرهنگی آقای ع. را دید و تف بیورت او انداخت و ع. هم سهیم باناقیم گرفت. مهدی در اقدامات خود برای واگرها حق احمد با انتیجه همیر- دران مایوس ایش تاوقتی که از هزار دوموقه وزیر، رئیس او وقت گرفت تا حمد بمقلاقاتش دود، باحمد گذشت. لعل یات از وزارت خانه را که وتو پوشانده کرد پیدا. احمد لبند تلخ زد ووارد نالار اشغال و وزیر دربار شد

ساخت میکردد؛ کاه در اطاق وزیر دربار  
نمایمکرد، فوراً همه صد اهافرمی نشست.  
نه نفسها بند میآمد، همه چشمها به در  
اطاق هژیر دوخته میشد؛ یک لفڑ خارجی  
بینون میامد و سخدمت مخصوص پل خارجی  
بیگر را اجازه ورود میداد، بالا صله دو  
سته میشد، حاضرین احظیه، نه باشند  
غتران که اگر هم در دلشان بوجود میآمد  
رجه شان اسری لاز آن پیدیدار نمیشد،  
تلکه باسلیم و رضای بند کان ذلیلی که  
مرجه خداوند کارشان بیسندد بی چون و  
چرا میبینند بد برسته میگرسند، سپس  
ساخت و همه خود را باز بیگر فتند؛  
احمد از فرط حیرت فراموش کرد.

لیل شوید؟ بسیار خوب،  
من دستور  
میدهم! ...»

منتظری پنی یشت اطاشق داشته باشد.  
بکی از روزنامه نویسان معتبر درین  
موقع او را دید، تزدیک آمد، مثل مرد  
خوشرو و چربی زیانی که یک زیردرست حقیر  
خودرا بیسنده، بالخندی همراه با فانز و تبغیر  
روباو آورد و سری تکان داد؛ احمد بگمان  
اینکه او سلام کرده است گفت: «سلام»  
روزنامه نویس مغروف فتورأ گفت: «سلام  
علیکم! حال شما چطور است؟ شما کجا  
واینجا کجا؟» و باحر کتی شاهانه دست  
بطف او است آورد.

یشتری در جمیعت افتاد و احمد شنید که  
بعض افراد یکدیگر میگویند اعلیحضرت  
همایونی وزیر دربار را احشار فرموده شد.  
احمد سری نکان داد و در حالیکه از غیره  
لندان بهم هیئت زیر لب گفت:  
- دیگر تکلیف معلوم است، همه باید  
دست ازیا دراز فر بر گردند.  
همانند دراطاق وزیر دربار بازشد و فوراً همه  
جمعیت فرونشست و همه بحر کت درآمدند  
آنان که نشسته بودند برخاستند، آنان که  
ایستاده بودند کنار گرفتند و پروردی یکصف  
بهم فشرده از حاضر ان در اطراف تالار نشکنید

من دستور  
میدهیم ! ...







د . هر کن  
دای می استاد  
تفیق خوشگل  
تئی اورا می  
نقدر از کوشه  
کردند تا از

ب ! من هیچ  
بینش شما

مزرعه می  
ی !

را ب میکنم !  
آقابالاخان

م و بازش هم  
قبالاخان این

رش نکن !  
 فقط تو اگر

باشیم دیگر از  
نگرانی روی

تراباهم دیدند  
ول به دندان

درست ولحنی  
چنگیز خان !

درا یمیض  
تشین تامینات

ایست ؟  
را باخر کنی

خود را بینند  
تجیری بیرون

کنار دو کلید  
پلاک مخصوص

دین آذان پایدا  
ب درخورد

تمام چنگیز  
چلو یقتم که

به کرده ام !  
باشی ! ولی

ویفت جام :

دانم داگرم  
و قی وارد

شبکشتن  
تشین تامینات

که هنوز پلاک سوت پلیس را بدست داشت  
و نگاهی به علی خان کردیکن اینجندنیزد  
و بجهه ماش آثار بهت و نگاری خوانده  
میشد افکرد ، سپس چشم بزر از ادعا و  
گفت :

- بسیار خوب ، بروم .  
یک قلم برداشت و باز ایستاد ، رو

به علی خان کرد و بسرعت گفت :

- علی ؟ تو برو به حضرت سرتیپ  
آقابالاخان خبر بدی که هرا بیک نهمت  
نی اساس ، همینکه شنیدی ، ه تأمینات  
بردن ؛ به آقای ذیح اللخان هم بگو ...  
به آقای میرزا کاظم خان هم بگو ...  
آهسته فشاری با آن داد و گفت :

- برو برو و یک آقای من . - هاؤن نیستی  
با کسی حرف بزنی ! ...  
چنگیز خان با علی خان خدا حافظی  
کرد و دوشادوش مقتش تأمینات بسرعت  
براه افتاد .

علی خان قدری ایستاد و بدیال آندو  
نگربست ؛ آنگاه بینندی زد و سری تکان داد  
و خلاف جهه آندو آهسته و متفکرانه قدم  
برداشت و با خود گفت :

- خیال نمیکنم بیچاره چنگیز شخصاً  
بلائی بسرگزار آورده باشد اما برگ خودم  
که از موضوع بی اطلاع نیست ، وقتی من  
با او حرف میزدم صد دفعه و نگ بر نک شد ،  
خوب دیدم که دست هایش میلرزد ؛ چشم اش  
حال غریبی پیدا کرده بود ؛ با وجود این  
بن چونه ! من که باید بروم اسباب در دسر  
رفیق قدیم بشوم اختی حاضر بروم شهادت بدم  
و قسم هم بخورم که او ازین موضوع خبر  
داده ؛ با وجود این باید قدری غیرت  
پیدا کنم و ازین بیش آمد استفاده کنم .

- این بیجنی از حرفزدش پیداست که با  
ماریونا خیلی نزدیک شده و شاید کار را

لائق بجاج و بوسه رسانده است ، این زن  
فرنگی ها نقدره اهمیت نمیدهد که کسی  
ماچشان کند ! شوهرش هم که خداوند غیرت  
است ؛ الان وقت استفاده است ، بهترین

فرصت است ؛ پیچ نباشد چندشانه روز بتواند  
را در تأمینات نگاه خواهد داشت ؛ من  
درین چند روز باید جائی برای خود پیش  
ماریونا باز کنم و باو بهمنام که من هم تا  
همه جا با چنگیز هست ؛ بهانه هم که دارم ،

میروم . بدخانه آقابالاخان و میگویم آمدام  
بینام چنگیز بیچاره را بر سامن ! بالاخره باید

آقابالاخان با آن بیز و سمباط و بال و کوبال  
سر تیپیش مردانه با بیان بگذارد و  
چنگیز را نجات بدهد .

تصمیم گرفت بخانه آقابالاخان رود و  
قلم تند کرد .

\*\*\*

آقابالاخان همچنانکه به پدرش قول  
داده و صحنه که پیش خود تصمیم گرفته  
بود ، باماریونا بیمدا اوارفتار میکرد و میکوشید  
در حضور او چهره گرفتو ابروی گرمه خورد  
المادش باشد ، بخندد ، صحبت کند و خود را  
با محبت نشان دهد . - درین حال در دل  
بماریونا آفرین میکفت و گاه که آخرین  
باقی ماده های عوطف خوبی در روحش  
جانی میگرفت باو حسد میزد زیرا میدید  
این زن هرچند غیظ و خشم و نارضائی و  
اندیشه ناگوار و خیال سوه داشته از روح  
خود زانده و پس از درآمده است که خیال  
میکنی نه بظاهر بلکه حقیقته همان زن

میدارد زیرا باید درشکه آنجا باستدورها  
باز کردن والا مجبور خواهم بود از آنجا  
مقدار زیادی پیاده بیام تا شهر و بدر شکه برسم .  
آقابالاخان که قصد دیگری از گردن  
داشت گفت :

- پس شما آقا جان با کالسکه بروید ،  
من پیاده بگردش میروم و اگر خسته شدم  
درشکه مینشیم .

ذیح اللخان که با نگاهی پر محبت  
و غرور آهیز سرا پای پرسش را مینگرست  
ومثل این بود که زیبائی و برازندگی اورا  
در لباس نظامش در دل تعیین میکند بازی  
اورا گرفت و گفت :

- نه جانم ؛ آخر من پیر مردم حق دارم  
پای سرمه بگردم ؛ پسری باین خوبی که حرف  
پدرش را گوش کرده و عاقل شده است ! گردش  
گردش است و چه بیهتر که پسری با پدرش  
بیکردن رود . بنظرم بادت رفته است و قیمت  
که بیک الف بیه بودی ، مدت سه سال  
چهارسال ، پنجسال ، بلکه بیشتر هر روز  
که هوا بد نبود ترا با خود از خانه بیرون  
میبردم و توازن کردشها که من سعی میکردم  
هر روز برای توانز کی داشته باشد چه حظ  
میکردم ، امروز بیسا باد آن روز هارا  
میاید .

ذیح اللخان بمیض دیدن او بر  
سرعت قدم خود از پرورد و با اشاره کرد که  
تأمل کند و چون نزدیک شد گفت :

- آقابالا ، میخواهی با کالسکه بروی ؟  
- آری آقا جان ؟  
- کجا میخواهی بروی ؟  
- جای مهمی نمیروم ، میروم قدری  
بگردم .

و همانند از گفتن این کلام پیشمان

شد زیرا پدرش گفت :

- بسیار خوب ، اگر فقط قصد گردش  
داری با هم بگردش بروم ، یعنی گردش  
برای توان از جامدادن یک کار لازم برای من ...

- چه کار لازم آقا جان ؟

- من مجبور بیک جا بروم که پیاده  
میشود رفت و با درشکه هم زیاد خرج بر

داشت از نظر حفظ سلامت خود تان و بچه تان لازم است این دستور

امر بیان نیاورد و چون این چند روز بگذرد  
ماریونا هر چند در آغاز چیزی بروی خود  
و بزبان خود نیاورد هم به ساخته طبیعی و هم  
از لحاظ اندیشهها و سوسان هایی که داشته  
ودر پرده گذاشته بفسر خواهد افتاد که

دیگر احتراز و کناره جویی شوهرش چیست ؟  
البته این موضوع بطول خواهد بنا : نجاید زیرا  
ناخوشی خطرناکش با همه جدیتی که طبیب

میگند و با همه مراقبتی که خود بگامبرید  
با زن زودی درمان خواهد بیافت ؛ بنابرین  
 فقط ممکن است یکی ازین دو تیجه حاصل  
بود و با نشاط و خود رهیف میگردش که چون  
پدرش سوار شود گرمه شی سواره در پیرامون

خانه فراغ کند شاید بتواند احتراز او را  
اورا از دور بیات دیگر بینند و خود را در لباس  
زیسته و باشکوهش بیو شان دهد زیرا شش  
جمه بود و احتمال کلی میرفت ، فراغ هم  
مانند اکثر زنان و دختران برای رفاقت به  
اما زاده ای بی قبرستانی یا گردشگاری یا  
مجلس روضه و موعظه ای از خانه خارج شود .

کرفت .

درین خصوص با طبیب خود مشورت

کرد و طبیب پس از فکر بسیار باو گفت :

- چاره ای جز آن نیست که بهمسر

شما گفتش و دنیا میگردش این مدت آبستنی چشم پوشی

ازین مطلب لازم است .

آقابالاخان این راه با او

زندگی کرده بود و ازو در شون محربانه

چون بخانه باز گشت با کمال مهر بانی راجع

پفرزند آینده شان باماریونا صحبت کرد ،

شکم اورا بوسید ، علاقه شدید خود را باین

بچه نادیده اظهار داشت و سرانجام گفت :

- خوب است از حالا به طبیب حاذقی

مراجعه کنیم و دستورالعملی از بیگریم ؛

این کار خصوصاً با ملاحظه ضعف قلبی که

یدا کرده ای بنظر من لازم است . اتفاقاً

طبیبی میشناسم که درین امور خیلی حاذق

و دقیق است .

ماریونا بی آنکه سوء ظنی بخاطرش

راه باید موافقت کرد . - آقابالاخان اورا از

دکتر ایوب خان برد و دکتر پریس از معاینه

قلب او و شکم او قدرنگ کرد که روایت خاص

خانم از نظر حفظ سلامت خود تان و بچه تان لازم است این دستور

را با کمال دقت مراجعت کنید ؛ البته باید حضرت سرتیپ هم

خلاف این دستور رفتار تکنند

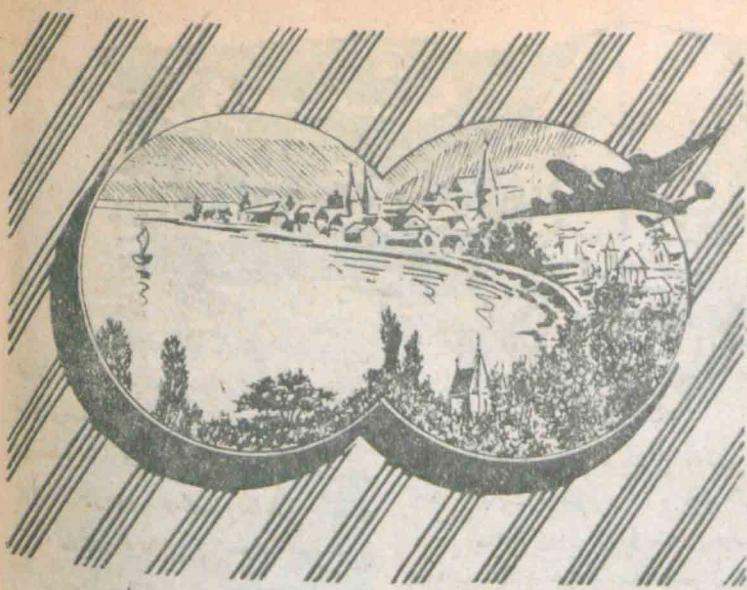






آزاد

بازه  
محققا  
پوست صاف و  
کمتر احتیا  
و غیره دقت  
عین حال نباشد  
خدمات هستند  
و برازند  
نمیدانند اصل  
که زیبا باشد  
در فشنکربر  
سازهای فران  
و معمولی حتی  
لباس‌افزار  
را درجای خود  
بابیکس جلو  
ورود کند  
غراهامون لکن  
ذکر نشود که  
لبنستان اینجا  
و آذربان بنظر



با خطوط هوایی پادشاهی هلند  
به آلمان مسافت کنید

منقاره آرام این دروازه کنستانتس شاهه یکی از صورهای مختلف آلمان است خطوط هوایی پادشاهی هلند مستقیماً شهدا به مرانگ سنتی و تجاری و گردشگاری آلمان میرساند و همواره هم در هرجا طبق رسوم همیشگی از پذیرائی و خدمت سرویس های ک. ال. آ. م. بیز بیرون می‌شود.

نوضیحات مشروح  
را از آزانس های  
مسافرتی و یا از  
پرس اسپرس  
خیابان سعدی تلفن  
۳۸۱۷۶ و ۴۴۹۳۷،۳۷۰۰  
سؤال نمائید



بار و غن ماهی هوگ

که منحصر از کبد زنده ماهی مورده تهیه و دارای مقدار کافی لسیطین و فسفر می‌باشد خود و اطفالتان را در مقابل سرما خورد کی د امران کونا کون دیگر نیمه نماید. دارو خانه فردوسی چهارراه لاله زار و سایر داروخانه ها

برای اینکه صورت شما  
سالم و جوان بماند:  
خیریش جدید و لیلیا هنر برای هنر  
منظور تهیه شده مصرف کنید

اینکت برای اینکن حیر خردیدی نشده که برو ط  
دارای دون عضله لا اولین برای پرست مورت نافع  
باشد. عضله لا اولین کشت صدیقی است و خواهر  
مراتب پسرانه لا اولین است.



عمله فدوی حاجب الدوله  
تجارت خانه آفای علی و مزی جزئی  
فروشی در کلیه مقاذه ها و داروخانه  
های معین

## اطفال



معايجه سرچ برو طريق ساقيم  
بايدن باد و چکن بند بوده است اغلب به مردان  
ملبوس می‌شوند اما بجهود دین منی کنید و چکن به مردان  
دیده پرست ترید خواست نهوده داشتی بینه ای طرف می‌بازد  
و درین حال ترکیت دارویی آن را بشکل خارج مصادره کرد  
و با پرستی سهی بیهوده داشتی از جهار نشانی بین  
و گلوبی ملتهب را آرام نماید.

شب خارج کودک شارخاب است  
پاد ویکنس



با زکام او بزار و نموده و چون بیدار شود راحتی

ش اسخور را زیاد نماید

پاد مایدی ویکس



آندریا رادیوی مطلوب تمام مردم این  
است.



رادیو آندریا را فقط از نایندگان رئی آندریا ایجاد فرمی

فروشگاه موکری رادیو آندریا خیابان لاله زار کاشی ۸۹ تلفن ۳۶۳۳۵

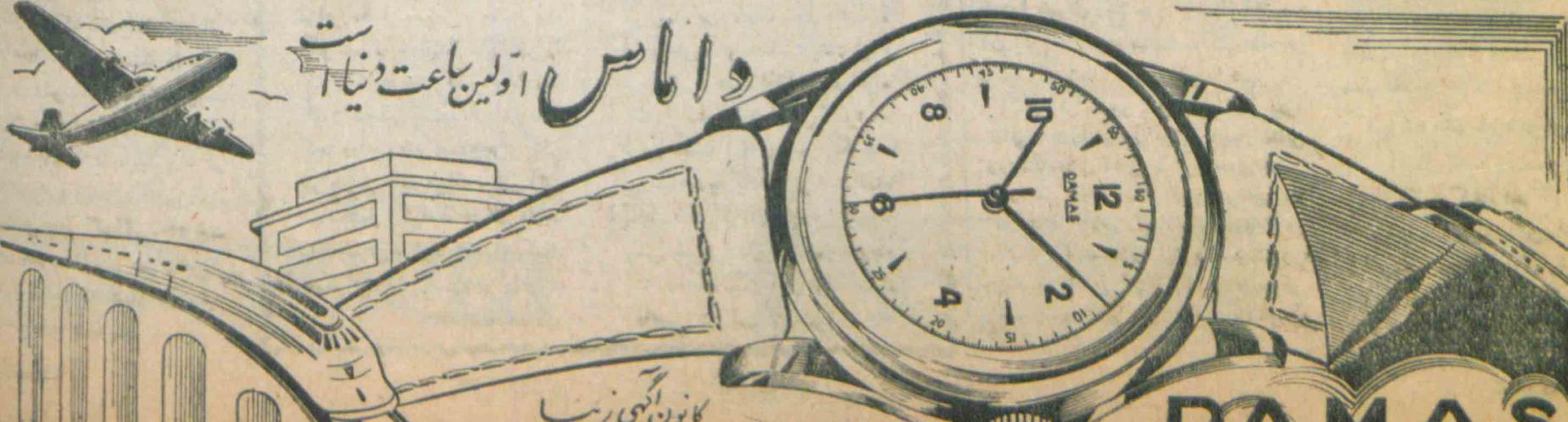


یات فجان هاکوزان کامترین عدا  
و مقوی ترین آشامیدنی است

کافی چیز نیست

داما

اوین ساعت دنیا



کافون آنکی زیب

DAMAS

این لباس  
تلی ساده است  
لار آن باشکه  
نه است شال را  
لار است و این یا  
لشیم باشد  
لر نیست از یوه  
لار سفید با





## مقتول بچه‌ئی زیبادر شکم داشت که از پسر ارباب بود!

با مو نیکردم تا اینکه پهاره ما را این جریان  
کذشت شبی ایران بنم خبر داد که حامله  
شده است و در حالی که به بنم از دیگر میشد با  
لحن معجب آمیزی کفت:

چشید، همین روز هاست که برآمد گی  
شکم توجه همراه جلب خواهد کرد  
البته در آن صورت آبروی من ازین خواهد  
رفت و تومیدانی که جزیکنفر تابحال دست  
هیچ مردی باید من نمایانگرده است  
و البته آن مرد نیز تووهستی و پیچهای کند  
را اختیارم کذشت و من نیز که پول باد  
رحم دارم متعلق بتواست همانطور که خودست  
قول دادی باید هر چه زودتر و سائل عروسی  
را فرام کنی و این طفل مصوبه ای قانونی  
و شرعاً جلوه دهی.

بنشیدم این کلام ناکهان منتقل شدم

من هیچ فکر نیکردم چنین روزی در  
یعنی خواهم داشت مدته در فکر فرو رقمه  
ولی چون ایران مرتب از من جواب نیخواست

ناجار گفت:

البته من قول و فراری که با تو گذاشت  
پیغام خودباقی است ولی چون اشکانی را بخواه  
موجود است غمده دارم یک مدت یکم  
کوتاهی صیر کنیم تامن مقدمات امر افزایم  
سازم اما در هرسورت خواهیم  
که در آینده تزدیکی با هم ازدواج خواهیم  
کرد. از آنروز بعد مرتب ایران چون  
شاره می‌آورد که اورا بگیرم بطوریکه پول  
از زندگی بیزار شده بودم، به جوابی  
که باو بگویم و نه میتوانست خواهش را  
اصیح دهم.

تا اینکه بکش در حالی که اثک از دیگر

میبارید گفت:

اگر مر را تاهنده آینده بعقد خود داد  
نیاوری آبرویت را خواهیم داشت. آقای

بازیرس، چون از یکطرف انتقام ایران

را خلیلی جدی دیدم و از طرف دیگر ازدواج

با او غیر ممکن بود تضمیم مخفوقی کردم و

یکروز وی را بعنوان کردن از شهرباز خواج

نائیز داشت. برای اینکه بمقصد خوش

بردم و در چهار فرنگی شهرباز از اینکه

برای آخرین بار از او کرم گرفتم با کاره

که قبل از تیپه کرده بودم چند شنبه کاری

یداش فرود آوردم. ظنانک ناله ای از گلوش

خارج شد و بزمین افتاد و در لحظه آخر

شکمش را بنان شان داد و مرد. و برای

اینکه موضوع را از اظهار مخفی کنم فوراً

جسدش را در گودالی انداختم در روشن

خاک ریختم.

\*\*\*

اگر چه نیوت یکران پدر جمیع  
بکار افتاد تا از محکومیت جلوگیری کند  
معهدها داد که اورا پیازه سال جس

محکوم کرد.

« اسد »

شماره ۴۲۸۵

## یک مسابقه جالب توجه

### عجبی ترین شخصی که دیده ام

#### یک طبیب کم نظر!



با هوش و حدسش صائب است خلاصه اینکه  
دکتری است ب تمام معنی خوب و فدادر و  
بامعلومات و معاشرتی مثلاً یکوقت مرخصی  
بعدازنیمه شب او مراجعت کرد و حاشی

خط فاک بود چون عمل جراحی را انجام داد و  
لازم دیده اورا در چیز شخصی خود گذاشت

به یمارستان رساند و نگذشت صبح پیش  
دراگان آنچه میگذرد. یکوقت دیگر صبح

خیلی زود سرمه پیش فقیر یچاره‌ئی رفت و  
چون از در محلی بود که ماشین دو قبوچه پیش را بدش

خانه اورده بود اینکه خودش را در خانه  
شخصی دکترهم اتفاقاً نبود که ازین بحیثی

خود گرفت. تا ده خیابان آورد و تاکسی  
صلید کرد و اورا پرخانه برد.

این شخص با اینکه خودش مرخص است  
یعنی زخم معدده دارد که سال گذشته در باریس

عمل کرد و ای هنوز آثارش هست و او را  
ریشه دیده از قبیل دل دروغ و غریه، هیچگاه

اظهار خستگی و کسالت نیکند و دقیقه‌ی از  
کار و فعالیت بمان نمایست و بزرگترین

خوشوقی و مسرت او رسیده کی محالینوایان  
است.

#### اصفهان - ۴ - خلیلی

##### سالنامه‌دانشکده ادبیات تبریز

آخر آ سالنامه بزرگ و مبسوطی برای  
سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۰ از طرف دانشکده

ادبیات تبریز منتشر شده و با کمال دقت  
اعلای در شکم دارد و برشکر داشت

پس از اینجا مطالعه و تصاویر و اطلاعات و نموده از  
جامعة و سودمندی راجع به دانشگاه تبریز

در آن جمع آمده است.

این سالنامه حاکی از پیشرفت امور

تحصیلی در دانش‌آموزه‌هاست.



#### شایط شوهر خوب

- برو جام، در تمام دنیا می‌شود  
میکند خیلی جزوی از دهات یعنی سده که  
هزینه فرستگی است و مرخانه‌ی در آنجا

ملز شده برای عملیات جراحی می‌رود البته  
برای رونق و رواج یمارستان کار جراحی را  
بعده گرفته چون جراح نداشته‌اند. بعداز

عملیات جراحی و بعض معالجات که اغلب  
ممکن است تا ۴ الی ۲ بعد از ظهر بطول  
یافته‌اند و آنها که اندیشه بدهند و  
یچاره‌اند و آنها از فرستنگها بسوی او  
آمده‌اند با کمال همراهی می‌دانند و مداوا

مینمایند و هفته‌ای دو الی ۳ روز بعد از اینما

کارهایش در شهر که اغلب تا ساعت ۱۱ صبح

طول میکند یکی از دهات یعنی سده که  
هزینه فرستگی است و مرخانه‌ی در آنجا

ملز شده برای عملیات جراحی می‌رود البته  
برای رونق و رواج یمارستان کار جراحی را

بعده گرفته چون جراح نداشته‌اند. بعداز

عملیات جراحی و بعض معالجات که اغلب

ممکن است تا ۴ الی ۲ بعد از ظهر بطول

یافته‌اند و شوهر باز میکردد.

ناگفته‌اند که تمام این خدمات

و کمکهای بدون جسم داشت و پاداش انجام

می‌کند.

علاوه حقوقی که از یمارستانهای دریافت

میکند خیلی جزوی است و البته خودش

می‌مقدار را قبول کرده در آموزشگاه عالی

پهلوی و دانشکده پزشکی تهران میکند

و دانشجویان از معلومات او استفاده‌های

زیاد میکنند.

روشی که را در فرآنه کندازیده

کاملاً بروحتی یمارستان آشنا است تا آنها

می‌یندگی هر چند تخفیف می‌کند خیلی



## پنجاه نفر هنرمند

در جشن سالیانه آموزشگاه موسیقی هنر ب مدیریت آقای میناقیان

کنسرت بزرگ خوانندۀ محبوب بهرام سیر

رقصهای ملی هنر جویان هرستان بال استاد جانازیان

کنسرت ۱۴ نفر نوازندۀ مستور - هنرنمایی قهرمان کمدی ح-حمدیدی

روز جمعه یستم دی ماه ساعت ۱۰ صبح آکهی توین

**veramon**  
Schering A.G. Berlin

## آکاہ باشید

برای اینکه قلب و اعصاب شما از اثرات زیان بخش قرص‌های تلیدی محفوظ باشد.

بیشتر موافق باشید ما ترس و رامون شرکت آلمانی اصل را خردیار نمایند

زیرا سالم است و رامون شرکت آلمانی را می‌شاید تیار سودمند

گرانبایی آزاد است کین در و نا ویداید.

و رامون شرکت آلمان از ترکیب کریتا لیزه فایفر تیشه شده بیچ

و اضافی مارو و قلب و اعصاب را سالم نگهید از و.

بسته بندی : توپیساخی چهار عددی اولهای ۱۰ عددی و پنجمی دو قصی

صل فروش : تمام دازو خانه نای بزرگ تهران و شرکت ناسنا

نماینده احصاری شرکت نسبی برادران مخرنی فروشگاه سرای روشن



## دین



### ستارگان سینماسته

عمده فروشی درین شامپو بنگاه دارویی سهیل خیابان ناصر خسرو کوچه خدابنده لو خرد فروشی داروخانه ها و خرازی

فروشیهای معین شهیران و شهرستانها

آکهی از بین

## بانوان و دوشیز گان امسال لباسهای عیدشان را شخصاً تهییه می‌کنند

پشت طی اکه هفته آینده در هرستان عالی خیاطی ثبت نام نمایند.



## دکتر حبیانیار

متخصص بیماریهای زنان و زیمان و مارانی

ازدواجکه بی نیویورک پاریس

غازائی طبق آخرین متدهای معالجات

بیمارستانهای آمریکا و اروپا و با

آخرین سیستم دستگاههای طبی و

برقی مداوایمگردد - خیابان جامی

چهارراه استخر

## منظظر اوت - دوام ثبات



## درمان قطعی سوزاک — برای بانوان

درمان کامل سیفلیس و امراض جلدی و دیدمان ضيق مجرأ - دود پرستات و سنت

دکتر دانشگر

۳۳۴۱۶

## درمان قطعی سوزاک و کامل سوزاک

درمان کامل سیفلیس امراض زنانه

معالجه مالاریا و

رماتیسم و جلدی

مطعدکتر جلال یهیزاد

خیابان شاهپور جنب سینما

جهان نرسیده به بودجه هری

## اتو فارس

همه روزه بالتوکار های اتو فارس

به اصفهان و شیراز و مشهد و کاظمین

مسافرت کنید. میدان بیارستان شرکت

آذان جهان سیر تلفن ۷۵۲۲-۹۴۶۴

## برند جوايز شماره ۴۴۷

کله خوانندگان که نموده

جایزه مجله شان به ۲۴۴-۱۷-۹۰

ختم میشود در تهران ساعت

۶ بعد از ظهر روزه شنبه همین

حقته با ارائه تمام مجله برای

دریافت یک بلیط بالکون (تاتر

د هفچان) مراجعة نمایند و در

شهرستانها برندگان یک ماه

مجله هستند قدم جایزه تهران

تصویر ا جدا کرده و بدفتر روزنامه

ارسال دارند.

۲۴۵۹۹

آنستیتو فرمان  
هئرت مان عالی خیاطی

بانو مریم فرون

در دوره سده ماهه پاییز ۱۳۳۰ بین  
۶۰ نفر هنرجویان هرستان عالی  
خیاطی آنستیتو فرهنگ رتبه اول را  
حاوز و بدریافت معدل ۱۷ نائل کردیده اند

دفتر آنستیتو  
فرهنگ

بیو هریف

آخرین و مهم ترین کشف برای  
روئیدن موی سر که ترکیب است از ۴۲  
داروی مختلف گیاهی و شیمیائی که  
پس از استعمال اثر معجز آسای آن برای  
سرهای طاس و حتی کیچلی در کمترین مدت هویدا می‌گردد این دارو دونو  
مختلف بسته بندی شده است بیوهین نعرویک برای مو های خشک و طیبیدی  
بیوهین نمره ۲ برای موهای چرب و بدو طرق بسته بندی شده است بسته بندی  
کوچک در (هشت بطری) برای موهای آقایان و خانمهای که موی سرشان  
کوتاه است قیمت آن ۵۰ ریال و باضافه ۵۰ ریال برای مخارج پست و بسته بندی  
بزرگتر برای خانهای یکه دارای مو های بلند هستند ۱۰۰  
ریال و باضافه ۵۰ ریال برای پست و بسته بندی سفارش دهنده کان از هرستان  
بایدنرمه ۱۵۰ را در نظر داشته باشد کسانیکه میل دارند شخصاً با قرار داده  
از بیوهین موی سرشان جلو گیری و برای روئیدن موی میتوانند سالن زیبایی مژد  
اقدام نمایند نمایند احصاری بیوهین در ایران سالن زیبایی مژد نهاد  
خیابان لالهزار کوچه همتاگاشی ۵۲ ساعت پذیرایی بانوان از ۱۰ الی ۲  
آذان مترو ۱۶ الی ۱۹۵ آقایان ۱۶ الی ۱۹۵

کوکو مالت

پرورش داده بارزش داقتی آن  
پی برداز



درمانگاه نجم آبادی

معالجه امراض مقاومتی - سوزاک - سیفلیس - شانکر - دارویی کوچه

اشخاص بی بضاعت مجاناً معالجه میشوند.

لله زارا - کوچه مهران

میکند در خ

علاء

مسجد شاه و

کار بی و بخ

املاک موقوفه

میکند در خ

سی نومن با

که تحت اشغال نیروهای ارتش سرخ بود  
بررسیهای دقیقی نموده و حتی چاده‌های نیز  
حفر نموده بودند، این هیئت پس از بررسی  
های خود در شمال ایران پیشنهادی به دولت ایران  
داد و امتیاز استخراج و پیره بر داری منابع نفتی  
مناطق شمال ایران را در خورهای نمودلی چون  
جواب مساعدی بمسار ایله داده لش بالا فاصله های همو  
جنجال عظیمی بپا کشت، و میتینگهای بزرگی  
در خیابان های تهران و جلو مجلس داده شد،  
در این اجتماعات افراد مسلح ارتش سرخ با مسلسل  
های سبک رسمآ از نمایش دهنده گان حزب  
نوده حمایت میکردند، با وجود این روز  
۲۷ مهر نیز سعادت در مجلس شورای اسلامی  
اعلام کرد که تا خاتمه چنگ به پیچک امتیاز  
نفت داده نخواهد شد. این نطق که هنجر  
قطعه مراؤده دولت شوروی با دولت سعادتشد  
موجب یهای و اظهارات شدیدی در مجلس کردید  
ویس از آن حادته آذربایجان و قیام پیشواری  
روی داد. بعد از این واقعه، تأمینی موضوع امتیاز  
نفت شمال مسکوت هاند، تا هنگامی که قرار

شد ارتش سرخ از اذربایجان خارج شود،  
دراین موقع دلت شوری و قوانسلعلته  
موافقت نامه‌ئی درباره امتیاز نفت شمال اعضاء  
نمودند، ولی این موافقت نامه غیر در مجلس  
پانزدهم کان لم بکن فرض شد، در همین روز  
مجلس بوجب ماده‌واحده‌ئی دولتیارا موظف  
نمود که بهیچوجه با خارجیها برای استخراج  
و امتیاز نفت شمال وارد مذاکره نشوند،  
بلکه با سراسر اهلی پادشاهی اقدام باشکارشود این  
امر سبب گردید که اداره‌های بنام «شرکت نفت  
ایران» برای اکتشاف میدانهای نفت شمال ایران  
با سرمایه ۵۱ میلیون ریال تشکیل گردید

و از آن پس دیگر لوله شر کید و اکنون از  
همان دستگاهی که انکلیسها میگفتند ما  
نمیتوانیم آن را بکاراندازیم و باید متخصص  
از امریکا بیاید ، با همت مهندسین و کارکران  
ایرانی روغن گرس پدست می‌آید .

یکی دیگر از موضوعاتی که در عرض چند روز اخیر، جاسوسهای شرکت سابق در آبادان منتشر گرده اند و خبر آن به تهران هم رسیده انتشار خبر بزدی و سوء استفاده از اموال شرکت ملی نفت ایرانست، جریان قضیه از اینقدر بود که از سالها پیش اشایه مستعمل و فرسوده تأسیسات نفت در بازار بفروش میرسید و از پول آن اشایع جدیدی خردواری میشد، امسال هم مانند سالهای قبل مقداری از بازار وادوات کهنه و فرسوده و شکسته با موافقت هیئت مدیره در بازار بفروش رسیده و پول آن را برای نهیه آلات و وادوات

جدید اختصاص دادند، مخالفین که هر ان منتظر فرست هستند مخصوصاً جاسوس هاوادست پیروده های شرکت سابق در شهر شابع کردند که مقدار زیادی از اموال شرکت ملی نفت بر قدر رفته و در بازار بفروش رسیده است!... بعد عده ای دیگر این خبر را زیر میکروسبک گذانته آنرا چند برابر بزرگتر کردند و هیاهو و چنجال زیادی در اطراف آن برآوردند و از دزدیها و سوءاستفاده های بزرگ در مؤسسات نفت خیز سخن گفتند، اما آنها که از تردیک وارد کارند میدانند که اینحرفها تا چه اندازه صحت دارد!.. اینها نمونه های از ترز کار عمال شرکت سابق و تحریکات و خراب کاری های آنهاست که بآنها باید جدیت میکوشند و زستان را کانون هرج و مر ج جلاوه داده و بگویند از زور سکه نفت ایران ملی "شده، مناطق نفت خیز ایران به یکباره آشی تبدیل شده است!!

دو کشی بادی

۵ از صفحه

آسیاست، اگر این دستگاه عظیم از کار می‌باشد گذشته از آنکه شهر آبادان در ظلمت محض پسر میرز تأسیس نفت که قسمتهاي از آن مشغول کار است تعطیل می‌شد، و تمام امور آن منطقه فلاح می‌کشت، برای انجام این امر عده ای از دست پروردگاری شرکت سابق تحریک شدند و تصمیم گرفتند که بطور دسته جمعی دست از کار بکشند، با آنکه عده آنها چندان زیاد نبود ولی کناره گیری افراد بزبور از کار سبب می‌شد که چندین قسمت کارخانه‌بدون متصدی بماند و بالاخره کار به تعطیل کارخانه بکشد. اما پیش از آنکه این نقشه بمرحله عمل در آید، چند نفر از مهندسین و کارگران وطن پرست جریان امروزه به هیئت مدیره خبر دادند و بالا قاصله از طرف اعضاء هیئت مدیره با آنها صحبت شد و عده ای بطور مسالمت آمیز به سرکارهای خود رفتشند و چند بفری هم که سر سختی نشان میدادند چون وضع را مساعد تدبیرند مجبور شدند مشغول کار شوند.

یکی از خواوندی که چندی پیش روی  
داد، موضوع خرابکاری بود که در قسمت  
کارخانه گریس صورت گرفت، شرکت سابق  
در آخرین ماههای حیات خود در ایران در  
صد و آمده بیک کارخانه تهیه روغن گریس  
در آبادان ایجاد کند زیرا تا آنوقت روغن  
گریس را از آمریکا میآوردند، وقتی مقدمات  
نفس این کارخانه فراهم شد موضوع ملی

شدن صنعت لفت یش آمد ، انگلسلیها  
بلا فالصله در صدد برآمدند روغنهای گریس را  
در مخازن مخصوصی جای داده و از انتظار  
پنهان کنند ، هنگامیکه مأمورین خلع ید  
بغوزستان رقتدهر قدرسعي کردند مقداری  
از دخایر روغن گریس را بدست آورند ممکن  
نمیشد و انگلسلیها بهیچوجه محل آن را  
نشان نمیدادند ، بنابراین هیئت مدیره موقت  
تصمیم گرفت کارخانه روغن گریس را برام  
بینشاند ، برای انجام این مغایر از مهندسین  
انگلسلی خواست که در اینراه بارانی ها  
کم کنند ، اما آنها بیهانه اینکه مطریقه  
کارانداختن این کارخانه را تهدیدند و باشد

متخصصینی از امریکا بایران بیایند از هر گونه مساعدتی خودداری نمودند، در این موقع احتیاج زیادی در داخله کشور بروغن کریس بود از اینقدر در مرحله اول هیئت مدیره با طرح نقشه های عجیبی موفق شد که محل مخازن روغن کریس را کشف کند و موقتاً احتیاجات کشور را هرتفع سازد، بعد در صد برآمد کارخانه مزبور را بکار اندازد، رای اینکارهای بیستی یکی از لواه هارا که بر کیدمه بود درست کشندو بعد کارخانه را بکار اندازند، مهندسین ایرانی مشغول بکارشدن لوله مزبور را با مهارت زیاد جوش دادند و وقتی خواستند قسمتی از ماشین را بکار اندازند ناگهان لوله تن کید، دو مرتبه از متخصصین انگلیسی دعوت شد که در اینراه مهندسین ایرانی کمک کنند اما آنها جدا از

همکاری خودداری نمودند، مجدها مهندسین  
برانی تصمیم گرفتند خودشان این مشکل  
ا حل نمایند و چون چندمین بته لوله‌تر کیده  
و مدتنی مشغول بازدید دستگاه و مطالعه  
سمتهای مختلف شدند تا آنکه پس از چندین  
شبانه روزگار و کوشش متوجه گشتند این  
حادثه بر اثر عدم تنظیم دستگاه روی میدهد،  
وقتی با دقت تمام دستگاه را از نظر گذرا دند  
بیدند که یکی از ییچه را با مهارت عجیبی  
باز کرده است! بالا فاصله بیچ را محاکم نمودند

## قهرمان قرضه ملی

شمیزی میگوید من عاشق مصدق هستم ، جان و مالی  
را در راهش نثار میکنم

منtri دهشاهی میخورد و  
که میفر و شد فایده میبرد  
راههای تو پیدا میکند.  
ش معتقد است که در  
ن رضا شاه کبیر بواسطه  
بهای زیادی کدر تهران  
ارو کسب اوراق پیدا کرد  
پر سیدم چه شد توارد  
ت شدی گفت داور در  
ت مرآ باین راه کشانید؛  
ع انتخابات او روز نامه  
شت و مردم رأی  
دند من در همان بازار  
فی یک نفر مسکر بود  
داشتند رقم سوال

نمیشود در زمان رزم آرا بدستور شهرداری باو زحمت رسانیدند مار اورا غارت کر دند و خودش راهم صدمه زدند که چرا از جبهه ملی حمایت میکنند، میگویند صدمه در راه درست گوارا است بمکی و دکتر فاطمی هم آرادت دارد و با تacus عجیبی در راه خدمت به کتر هصدق حاضر یافداده ای و جان بازی است.

بد هیم گفت به نتی  
، مستوفی المالک  
یم آبادی رئیس صنف  
رقه دار مدرس بودو در  
نه ربانی کرد و بدمن  
دها فهمیدم که درغبت  
شته ام روزی بمجلس  
سته اها مجلس عمامه

شمشیری ۴۰۰ هزار تومان از شکل و قیایه دکتر اوراق قرضه ملی خریده؛ تمام از فهایش دلچسیم شد.  
آنها در بانک ملی بامانت سپرده تقوید من عاشق آنها مالم را در آنها میگوید ملت ایران اگر بداند میگنم اکرم روزی دولت و زمامدارانش پولی را که میگیرند خرج مملکت و استقلال آقای مصدق اختلاف میردم. بعداز مصدق میکنند پول میدهد ولی افسوس که رجال ایران درست 『امتحان نداده اند و من چون از مصدق مطمئن هستم تمام هستی خود را در راه او فدا میگنم.

جنب مدرسه عبدالله خان در بازار، هنوز هم مال  
مشیری است و شاگردانش آنرا اداره میکنند



بعضی هایین همت و بلند نظری با تمول  
و دارایی فرق نمی کنارند ؟ خیال میکنند  
هر کس پول دار و متمكن است آدم صاحب  
همت و بلند نظری است در حالیکه چه بسیار  
مردمان متمول که کوتاه نظر و دون فطرت  
ستند و چه نهی دستانی که آقا بدینی آمد و  
صاحبان ثروت را بنو کری قبول ندارند .  
از رویی که قرضه ملی اعلام شده  
هیچکس باندازه آقای حاج محمد حسن  
شمیری اوراق قرضه را خردباری ننموده  
است اول خیال میکردم شایعه است ولی وقتی  
رسید بانک را دیدم که واقعاً دومیلیون ریال  
پول داده و اوراق قرضه را خردباره دیدم

این هر درا در ایران بلند همت ترین رجال  
ووطن پرست ترین افسر اد میتوان نام برد  
لهذا اغلالق قهرمان قرضه همی را بین مناسبت  
نلیده در صدد فهمیدن شرح حاشش برآمد:  
جملو پدرش اصفهانی و شمشیر ساز بوده اند  
پدرش وقتی طهران آمده در تزدیکی های  
اماوزاده زید در بازار خیاطها قهوه خانه  
میگیرد پدرش در جوانی هی میرد این بجه  
ک

بوجک در بازار مرغی ها که حالا جزء  
خیابان بود رجمه‌ری شده در یک قهوه‌خانه‌ای  
شماگر دمیدشود و بستری ها آتش چیق میدهد؟  
وقتی صاحب بیست تومن سرمایه می‌شود  
قهوهه خانه مستقلی در بازار براز ها جنب  
مدرسه عبدالله خان بازی می‌کند ولی روز کار  
روزی نامساعد نشان میدهد کسبش تیکیرد  
فقطی و سختی سال ۱۳۳۶ فمری هم بیش  
می‌اید مقرون و پریشان می‌شود دکان و اثاثه  
را پیش میر که عبدالله قاضی زاده که همانجا  
دکان صرافی داشته در هبلغ بیست تومن  
گرو می‌گذارد و بواسطه خوردن دمیختک  
و ابتلای بمرض هالاریا از کاسپی می‌افتد  
روزی پریشان و بدیخت کنار بازار نشسته بوده  
کاسب روپریوی قهوه‌خانه او آقای حاج محمد  
حسین صالحی پسر مشهدی محمد حربی از  
حال و کارش سوال می‌کند ماجرا را باز  
می‌کوید که دکان در گرو و بسته است و  
خودم هر پیش و بدیخت شده‌ام آن جوانمرد  
سی تومن با وقرض میدهد دکانش را از گرو  
برخون می‌آورد و مشغول کسب می‌شود خداوند  
هم بیخواهد و نهاده کنار

علاوه بر آن قهوه خانه، قهوه خانه های  
مسجد شاد و سبزه میدان راهم میرزد و در  
کار بین و پیچگال داری هم وارد می شود بعد  
املاک موقوفه ای راهم در سبزه میدان اجاره  
می کند در خیابان مختاری هم محله را از

## بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم

### که میخواهد در قضیه نفت ایران، دخالت کند

در این هفته بانک بین‌المللی، پس از مدتها مطالعه و مذاکره، نمایندگانی برای بررسی امکان دخالت در قضیه نفت ایران، تهران اعزام داشت. برای اینکه بدانید این بانک که یکی از مؤسسات وابسته بازمان ملل متعدد است، چگونه کار میکند، مقاله زیر را بخوانید.

#### باقم دکتر حسین فاخر



مقر بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم، در واشنگتن است. این تصویر عمارت بانک را در این شهر نشان میدهد. در کنار این تصویر، عکس «اوون بلاک» رئیس بانک و در بالای تصویر، اعضای او را می‌بینید. این اعضاء، یکی از اعضاهای مهم در دنیا مالی و سیاسی امروز است زیرا باید در زیر اوراق هر قرضی که بکشور های محتاج داده میشود، باشد.

دیگری را تین کرده باشد)

هیئت مدیره در موقع عادی سالی

یک بار تشکیل جلسه می‌دهد و طایف آن

عبارات است از رسیدگی نسبت به امور بانک

در تحت نظارت کمیته اجرائی و ظایف اد

عبارتند از سریستی امور جاری بانک،

انتخاب کارمندان و تنظیم امور اداری دنیا

بانک علاوه بر هیئت مدیره و کمیته اجرائی

که از نمایندگان و منتخبین دول عنوان شکل

میشوند از لحاظ احتیاج به مشورهای ازمه

با متخصصین امور مالی بانک دارای یک

شورای مشورتی نیز میباشد که حداقل از هفت

لار میرسید که فقط یکصد آن بنا

بدروخواست کمیته اجرائی بانک پرداخت شده

بود، بنابراین نیابتین سرمایه‌ها

شده و سرمایه‌ها تمدید شده و سرمایه‌ها

شده بانک اشتباہ کرد. دو درصد از

دو درصد سرمایه بانک پیش‌یابان

همان کمیته و برای هدت دوسال باین

ست انتخاب میگردد.

در موقع درخواست قرضه از طرف

کشوری، بانک یک کمیته فرشته برای آن

موشوع تعیین میکند که تقاضای هزبور را

از حيث مقدار قرضه و محل صرف و طرز

دریافت و پرداخت آن مشروطات دارد که

قرار داده و گزارش خود را پیکتی اجرائی

بدهد.

**عضویت ایران در بانک** -

تاریخ ۶ دسامبر ۱۳۲۴

که بصوبت مجلس شورای ملی رسیده

دولت ایران بعضی متصدی مراجعت

بانک بین‌المللی توسعه و توسعه‌آمدان

این قانون چنین است: « مجلس شورای ملی

بدولت اجازه میدهد سندي را که حاکی از

پذیرفتن موافقنامه «برق و دز» که ضمیمه

این قانون است دراجع بتایمیں متصدی د

بانک بین‌المللی میباشد و قول مشارکت

دولت را در دوموشه هزبور تایید نماید

همیه دولت ایران طبق تویزمان

میلیون و شصت هزار دلار امریکایی میرسد

**دول عضو ممنوع شده و در انجام**  
**وظایف خود برای اعیان** بی

**طرفی و بین‌المللی بودن وظایف**

**خود موظف هستند.**

**سرمایه بانک** - سرمایه بانک

بموجب موافقت نامه تشکیل دهنده آن ۱۰

میلیارد دلار امریکائی پیش‌یابی شده است

که بهماین‌کس هزار دلار تقسیم گشته

و مخصوص دول عنوان میباشد، سرمایه‌های

شده بانک در سال ۱۹۴۷ به ۸۰۲۴۵۰۰۰۰

دلار میرسید که فقط یکصد آن بنا

بدروخواست کمیته اجرائی بانک پرداخت شده

بود، بنابراین نیابتین سرمایه‌ها

شده و سرمایه‌ها تمدید شده و سرمایه‌ها

شده بانک اشتباہ کرد. دو درصد از

دو درصد سرمایه بانک پیش‌یابان

هیجده درصد دیگر بیان مطلع

پرداخت میگردد با توضیح اینکه بیان مطلع

هر کشور که بعنوان سرمایه آنکشود

ترمیم خرایه‌ای حاصله از جنگ گذشته

میباشد. طرق زیر برای اجرای این منظور

در اساسنامه بانک پیش‌یابان

را تحقیق اینکه قرار داد. بالآخر طرح

کشور های عنوان بنظرهای تویید.

**(۲) - تشویق بکار افتادن سرمایه در**

**از شعبنامه بانک** - سرمایه

تعادل لازم در تجارت خارجی و پرداخت های

بین‌المللی کشور های عنوان از طریق استفاده

از سرمایه‌های بین‌المللی برای توسعه ادن

منابع توییدی آن کشورها

**(۳) - بطور زمان اهتمام گردن بحصول**

یکی نماینده اصلی و بیکاری بانک و دفتر

میباشد. رئیس بانک که بوسیله کمیته

اجرائی انتخاب میشود، نایاب جزو هیئت

مدیریه یا کمیته اجرائی و اعضاء علی‌البدل

دول عنوان بانک تشکیل شده و در حکم

جمعیت عمومی بانک است. فرستاده هر کشور

دریافت اینکه میتواند قریبی دهد. طرز رأی دادن

دریافت میباشد اینها بعد از حصول اطمینان

از برگشته ای و محل صرف وجود صلاحیت

قرض دادن بکشورهای صنعوا دارد. بعلاوه

خود بانک میتواند قرض کند و با قرضه را

ضمیمه نماید. طبق بند ۱۰ از ماده ۷ موافقت

نامه بانک و اعضاء و کارمندان

آن از مداخله در امور داخلی

سپس از طریق بانک مزبور در کشورهای

که محتاج بوارد کردن سرمایه از خارج

هستند برای تولید، بکار افتاده داده اند

آنها نیز از طریق همان بانک بصالح آنها

پرداخت گردند.

**بانک بین‌المللی امروزه اگر چه**

کاملاً بانک فوق‌الذکر نیست ولی از لحاظ

تئوری شایسته زیادی باشند لار دارند

میکردند تنظیم شده بود. موافقت نامه بالاز

تاریخ ۲۷ دسامبر ۱۹۴۵ بر حسب موردنخوب

قرار گرفتن از طرف عده لازماً دول و هر کدام

پرداخت کردن قسمی از سرمایه‌های

به نسبت بینه مالی خود در سرمایه آن،

شرکت کردند.

**از سرمایه‌های جمع آوری شده بدول عضویت ای کار**

افتتاح جلسه هیئت مدیره ای احصاء از جنگ

پول یکجا در تاریخ ۱۰ ماه ۱۹۴۶ بعمل آمد.

هیئت مدیره آنها بانک از ملک مختلف

دو تکمیل یافته و هر کدام

رسمیت یافته و لازم الاجراء گردید. هر اسما

افتتاح جلسه هیئت مدیره باشند

از سرمایه‌های جمع آوری شده بدول عضویت ای

کار افتتاح جلسه هیئت مدیره ای احصاء از جنگ

پول یکجا در تاریخ ۱۰ ماه ۱۹۴۶ بعمل آمد.

با وجود اینکه سرمایه بانک از ملک مختلف

جمع شده است معهده قرض دهنده خود

باقم است که طبق اساسنامه خود منع

از مداخله در امور سیاسی و اقتصادی دول

عضویت در خارج از کشور خود را می‌تواند

آنها وارد نخواهد آمد. ثالثاً رفع نگرانی

ملک وارد کننده سرمایه‌های مزبور از اینکه

منافع سیاسی و اقتصادی آنها فدای حفظ

حراست سرمایه‌های خارجی تغاهند گشت.

تحت شرایط اقتصادی امروزه از نظر تأمین

واسیل آبادی و آزادی ملک مختلف فراغم

کردن این‌واعمل اخیر از مهمترین اقدامات

بین‌المللی میباشد زیرا با تأمین ترتیبات

بلا اصل همکاری بین ملک غنی و فقیر و

ین ملک مترقب و عقب‌مانده جانشین اصل

منفور استثمار بین‌المللی گذشته میگردد.

یکی از طرق رسیدن به این‌واعمل ای از ملک

است این باشد که سرمایه‌های آماده برای

بکار افتادن در خارجه تشویق شود که در

بانک بین‌المللی که اعضاء آن از ملک

مختلف تشکیل شده باشد متمرکز شده و

بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم

میگردد. او لین کشوری که از این بالک قرض گرفت فرانسه بود که مبلغ آن ۴۵۰ میلیون



# شطرنج

نکشماره ۶۰ ریال

جمعه سیزدهم دی ماه ۱۳۲۰

شماره ۴۲۸



لندن کیس نیویورک لندن میامی و مونت کارلو و مونت کارلو